



مرکز تحقیقات اسلامی

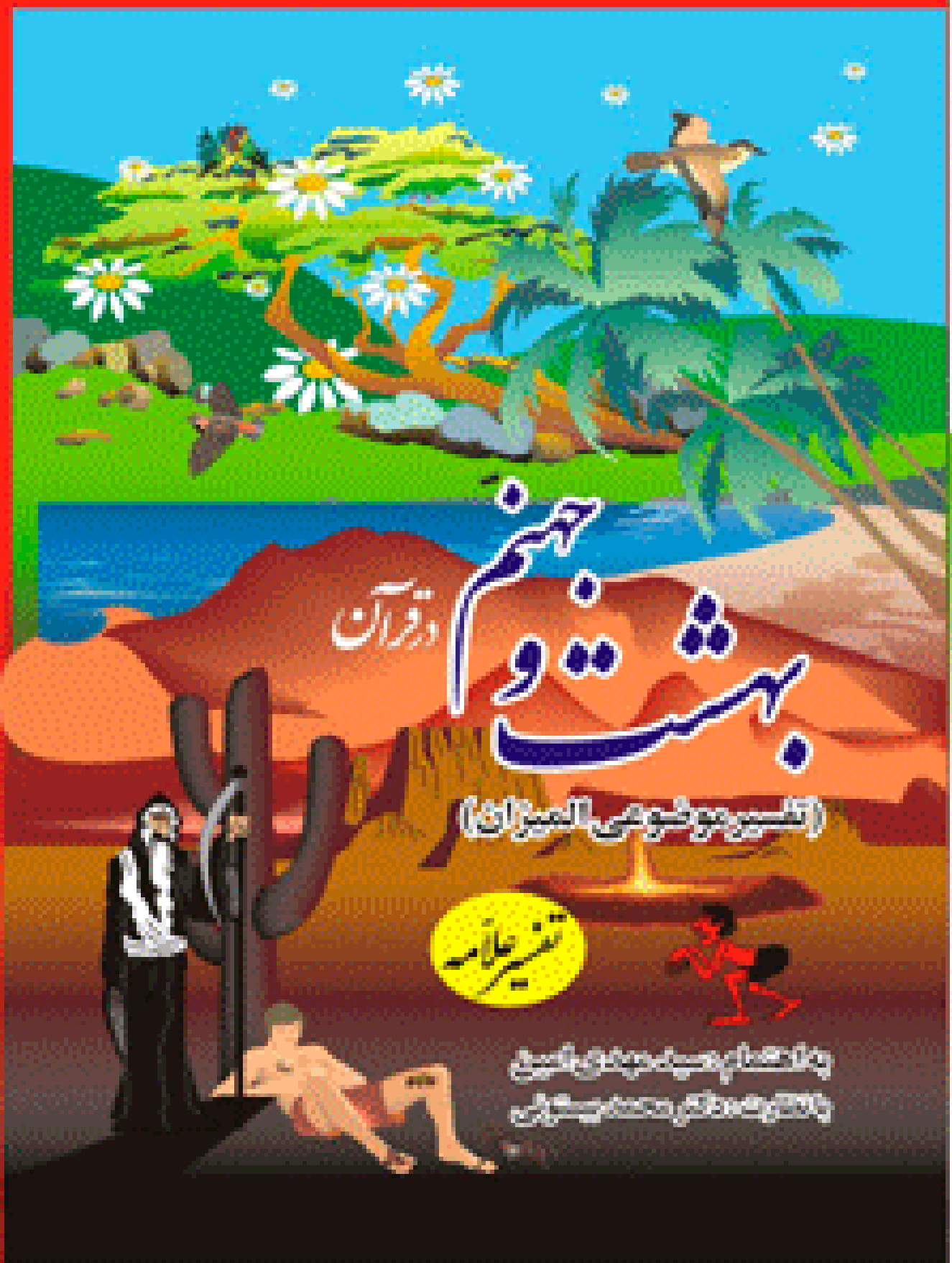
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



قرآن

سورة التين

(التي تروي العيون)

تغزل

وَمَا كُنَّا بِمُعَظَّمِي الْكَلِمَاتِ
وَلَا كُنَّا بِمُعَظَّمِي الْكَلِمَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

عباسعلی کامرانیان

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	بهبشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	الإهداء
۱۳	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۵	مقدمه مؤلف
۱۹	دوزخ آتشگاه عظیم
۲۴	همه دوزخ را خواهند دید!
۲۷	کمینگاه بزرگ
۳۲	درهای دوزخ
۳۴	وسعت دوزخ
۳۵	«سِجِّین» پایین ترین مکان جهنم
۳۷	دوزخیان به چه زبانی صحبت می کنند؟
۳۹	آیا دوزخ جاودان است؟
۴۲	چراگناهان موقت، مجازات های ابدی دارند؟
۴۴	رابطه بین گناه و مجازات
۵۱	چگونگی آفرینش دوزخ
۵۴	بدترین جایگاه دوزخ
۵۵	عذرها پذیرفته نمی شود
۵۶	مالک دوزخ و فرشتگان عذاب
۶۱	گفتگوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جبرئیل درباره دوزخ
۷۳	گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان
۷۶	در کنار دوزخ زانو می زنند

- ۷۹ دست ها را به دندان می گزند!
- ۸۳ از فریاد دوزخ وحشت می کنند
- ۸۷ امکان خروج از دوزخ وجود ندارد
- ۸۸ حسرت های مداوم
- ۹۰ تحقیر مکرر
- ۹۲ حیرت و ترس و اضطراب شدید
- ۹۳ ناله های طولانی و ترسناک
- ۹۵ غل ها و زنجیرهای آتشی
- ۹۷ آتش از بالا و پایین
- ۹۸ درخت نفرت انگیز زقوم
- ۱۰۲ گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ
- ۱۰۵ لباس اهل جهنم
- ۱۰۸ گرزهای گداخته
- ۱۱۱ دودهای فراگیر
- ۱۱۴ بی یار و یاور
- ۱۱۶ بازتاب جهنمی ثروت های حرام
- ۱۱۸ چهره پردازی جهنم!
- ۱۲۱ تکبر دردنیا، تحقیر در آخرت
- ۱۲۳ مشاجره بی پایان جهنمیان با هم
- ۱۲۵ سر به زیری و پشیمانی ابدی
- ۱۲۶ نوشابه های داغ و متعفن جهنم
- ۱۲۸ همنشینی با شیاطین در جهنم
- ۱۳۱ حرکت در مدار بسته آتش
- ۱۳۳ آتشگیره دوزخ
- ۱۳۵ آتشی به بلندای قصر
- ۱۳۷ آتشی که دل ها را می سوزاند!

- ۱۴۲ بهشت در قرآن
- ۱۴۸ سرزمین های آرزوهای اولاد آدم
- ۱۵۵ اهمیت توجه به بهشت
- ۱۵۵ بهشت، هدف نهایی و عالی
- ۱۵۸ نام های بهشت
- ۱۶۱ وسعت بهشت
- ۱۶۷ درجات بهشت
- ۱۷۴ درهای بهشت
- ۱۷۵ چگونگی حضور انسان در بهشت
- ۱۷۷ عمر بهشت و بهشتیان
- ۱۸۰ بهشت برزخی
- ۱۸۳ مکان بهشت
- ۱۸۷ چگونگی ساخته شدن بهشت
- ۱۹۳ آیا در بهشت شب و روز وجود دارد؟
- ۱۹۴ بهشتیان با چه زبانی سخن می گویند؟
- ۱۹۶ آیا زندگی در بهشت، یکنواخت نیست؟!
- ۱۹۹ حضور بهشتیان در محضر حضرت حق سبحان
- ۲۰۲ پیروزی بزرگ بهشتیان
- ۲۰۴ عمر جاوید در بهشت
- ۲۰۵ بخشش گناهان و آمرزش
- ۲۰۷ قلوب پاک
- ۲۱۰ جنات عدن
- ۲۱۲ کیفیت میوه های بهشتی
- ۲۱۸ اعتدال هوا در بهشت
- ۲۲۰ همسران پاکیزه
- ۲۲۳ حور العین

۲۲۷	تکلیف زنان در بهشت
۲۲۸	حذف پیری، سختی و خستگی از بهشتیان
۲۳۰	خانه های بهشتی
۲۳۴	هر چه دلشان بخواهد، آماده است!
۲۳۶	رهایی از دوزخ
۲۳۹	ملاقات و همنشینی با والدین و فرزندان
۲۴۱	لباس های بهشتی
۲۴۴	فهرست منابع
۲۴۸	فهرست مطالب
۲۶۰	درباره مرکز

بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : کامرانیان، عباسعلی، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث/تالیف عباسعلی کامرانیان ؛ بانظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، 1385.

مشخصات ظاهری : [250] ص.

شابک : 3-88-8399-964

وضعیت فهرست نویسی :

یادداشت : کتابنامه: ص [232 - 239] ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : دوزخ -- جنبه های قرآنی .

موضوع : بهشت (اسلام) -- جنبه های قرآنی .

موضوع : دوزخ -- احادیث.

موضوع : بهشت (اسلام) -- احادیث.

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، 1337 -

رده بندی کنگره : 1385 9ب2ک/BP222/65

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : م 45018-85

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

سرشناسه : کامرانیان، عباسعلی، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : بهشت و جهنم از دیدگاه قرآن و حدیث/تالیف عباسعلی کامرانیان ؛ بانظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، 1385.

مشخصات ظاهری : [250] ص.

شابک : 3-88-8399-964

وضعیت فهرست نویسی :

یادداشت : کتابنامه: ص [232 - 239] ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : دوزخ -- جنبه های قرآنی .

موضوع : بهشت (اسلام) -- جنبه های قرآنی .

موضوع : دوزخ -- احادیث.

موضوع : بهشت (اسلام) -- احادیث.

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، 1337 -

رده بندی کنگره : 1385 9ب2ک/BP222/65

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : م 45018-85

ص: 3

إلى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةٍ

الْمُصْطَفَى وَ بِهَجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةِ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ،

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرُّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنْنَا بِبِضَاعَةٍ

مُرْجَاةٍ مِنْ وَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنُظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد

داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

ص:5

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

21 ربیع الثانی 1425

21 خرداد 1383

ابوالقاسم خزعلی

ص:6

قرآن کریم:

(در آخرت به زشتکاران خطاب شود که) این آتش (دوزخ باطن) همان اعمال زشتی است که (در دنیا) خودتان پیش فرستاده اید و (بدانید که) خداوند هرگز کمترین ستمی در حق بندگان نخواهد کرد.

(حج / 10)

مقدمه مؤلف

دوزخ، شدیدترین کانون دائمی عذاب های روحی و جسمی است. این محل را، بدکاران، کفار، منافقان، ستمگران و گناهکارانی که از گناهان خویش توبه نکرده و در صدد جبران برنیامده اند، برای خویش آماده کرده اند.

شناخت دقیق چنین محل خطرناک و کمینگاه عظیمی اگر همراه با باور و یقین شود، انسان را به تفکر و تأمل و بازبینی اعمال و صالح سازی رفتار و دوری گزینی از

ص: 7

گناهان و توبه و جبران، و می دارد.

وقتی مجازات های سنگین و غیرقابل تحمل، طبقات و حفره های آتشین، گرزهای آهنین، آب های جوشان، شعله های سوزان، درخت زقوم، آتش های بُرنده، عذاب دائمی و شدید، حسرت های مداوم، خواری و ذلت فراوان، ناله های طولانی و دردناک، غل ها و زنجیرهای آتشین، چهره های زشت و سوخته، داغ کردن پشت و پهلو، پاره پاره شدن درون، همنشینی با شیاطین، سلول های انفرادی آتشین و ... را در نظر بگیریم، و ببیندیشیم که دیر یا زود باید به سزای گناهانمان برسیم به یقین در رفتار و گفتارمان تجدید نظر خواهیم کرد! زیرا همه انسان ها، حب ذات دارند. خودشان را دوست دارند و نمی خواهند که به هیچ وجه، گرفتار شوند.

بر همین اساس، وقتی درک واقعی از خطر گناهان و ظلم ها پیدا شود و انسان خود را در معرض خطر جدی ببیند، مطمئناً از آن حذر می کند.

ص: 8

به دلیل آنچه گفته شد بر آن شدم تا با توکل به حضرت حق و استمداد از درگاه ربوبی آن عزیز بنده نواز و توسل به چهارده معصوم: در حد توان و بضاعت ناچیز خویش، به معرفی دوزخ پردازم.

در این عرصه، نخست به تحقیق در قرآن کریم پرداخته و آیات مربوط به دوزخ را جدا کرده و به شرح و تفسیر آن ها براساس نظرات مفسرین بزرگ پرداختم.

سپس به بررسی نظرات ائمه اطهار و چهارده معصوم: درباره این آیات و نظرات آن ها درباره دوزخ پرداخته و نهایتاً نیز با جمع بندی و نتیجه گیری از مجموعه مباحث، کار را به اتمام رساندم.

به یقین هنوز مطالب فراوان دیگری از هر جهت درباره دوزخ وجود دارد که باید توسط سایر پژوهشگران مورد بحث و بررسی دقیق و موشکافانه قرار گیرد، اما

ص: 9

این کتاب نیز شاید توانسته باشد به حول و قوه الهی، گام کوچکی در شناساندن «دوزخ» و اعلام خطر به مؤمنان، مسلمانان، حتی کفار و مشرکان و منافقان و گناهکاران داشته باشد.

امید است که خداوند متعال با لطف عظیم و رحمت واسعه خویش این تلاش را از بنده ای شرمنده، قبول فرماید. مؤمنان گرانقدر نیز صاحب این قلم را از دعای خیر خویش محروم نفرمایند.

عباسعلی کامرانیان

آذرماه 1385

تهران

ص: 10

امام علی علیه السلام :

چیزی مانند آتش جهنم ندیدم که فراریان از آن، چنین در خواب غفلت فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، (خطبه 28)

دوزخ آتگاه عظیم

لعنت های همگامی و دائم

عذاب های متعدد و همیشگی

مجازات های شدید

عدم امکان خروج

شعله های سوزان و فروزان

ص: 11

محل فوق العاده وحشت زا

خواری و ذلت بسیار

حیرت، ترس و اضطراب کشنده

ناله های طولانی و دردناک

زندانی منحصر به فرد آتشین

غل ها و زنجیرهای گداخته

تش از بالا و پایین

درخت نفرت انگیز زقوم

آب جوش جوش!

صید شدن ناگهانی توسط فرشتگان عذاب

ص: 12

چهره های سیاه و ترسناک

گرزهای سرخ شده

آب داغ و متعفن

دو دهای متراکم و خفه کننده

بی یار و یآوری

عذاب عظیم

دوری از نعمت ها

داغ بر صورت و پشت و پهلو

صورت های سوخته و زننده توهین و بی اعتنائی کامل

درگیری، دعوا، جنگ اعصاب و نفرین به هم!

ص: 13

سر به زیری و پشیمانی الی الابد

نوشابه های سوزان و سیاه

ترسان و گریان و لرزان و ناامید

پاره پاره شدن درون

همنشینی با شیاطین ترسناک

بادهای سوزنده و مسموم

حرکت در بین آب و آتش!

چشمه های آب جوش و حشت زا

خارهای خشک، تلخ و بدبو

آتش دل سوز پرلهیب

تحمل مأموران خشن و سخت گیر

ص: 14

و ... کدام انسان عاقلی این ها را برای خود، فراهم می آورد؟!

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ ...

آیا وقت آن نرسیده است که کسانی که ایمان آورده اند دل هایشان به یاد خداوند خاشع و خاضع گردد و به آنچه از سوی حق نازل شده

توجه (جدی) کنند؟(1)

آیا وقت اندیشیدن به گفتار و کردارمان فرا نرسیده است؟!

ص: 15

امام علی علیه السلام :

چیزی مانند آتش جهنم ندیدم که فراریان از آن، چنین در خواب غفلت فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، (خطبه 28)

همه دوزخ را خواهند دید!

لَتَرُونَ الْجَحِيمَ

البته «پس از مرگ» دوزخ را مشاهده خواهید کرد. (1)

امام علی علیه السلام :

پرهیزگاران جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش

ص: 16

همه باید وارد دوزخ شوند

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

و هیچ کس از شما باقی نمی ماند مگر آن که باید وارد دوزخ شود و این حکم حتمی پروردگار توست. پس از ورود همه به دوزخ، ما پرهیزگاران را از آنجا نجات داده و ستمکاران را باقی می گذاریم تا در آتش به زانو درآیند. (2).

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده

ص: 17

1- نهج البلاغه، خ 193

2- 71 و 72 / مریم.

است که فرمودند: همه مردم وارد آتش می شوند، آنگاه به میزان اعمالشان از آن خارج می شوند؛ گروهی مثل برق، عده ای مثل باد، گروهی مانند اسب، عده ای مانند دویدن مرد و گروهی مانند راه رفتن عادی از آتش خارج می شوند.

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: از جابر بن عبد... انصاری نقل شده است که درباره این آیه گفته است که: با گوش های خودم از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه وارد جهنم

می شود، آتش برای مؤمنان سرد و سالم خواهد بود همانگونه که بر ابراهیم علیه السلام بود. تا آنجا که آتش از شدت سردی فریاد می کشد، سپس خداوند

پرهیزکاران را نجات داده و ظالمان را در آن جا ذلیلانه باقی می گذارد(1)

کمینگاه بزرگ

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا...

جهنم کمینگاهی بزرگ است!(2)

درباره کلمه «مرصاد» گفته اند که: به مکانی گفته می شود که

مخصوص کمین کردن است. همچنین به معنی شخصی که بسیار کمین می کند نیز آمده است.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است:

ص: 19

1- نمونه، ج 16، ص 119.

2- 21 / نبأ.

این که چه کسی در دوزخ در کمین طغیانگران است؟ گفته اند فرشتگان عذاب، زیرا طبق آیه 71 مریم همه انسان ها از بالای دوزخ عبور می کنند، در این گذرگاه عمومی و همگانی، فرشتگان عذاب در کمینند و دوزخیان را می ربایند!

... خود دوزخ (هم) در کمین آن هاست و هرکدام از طغیانگران به آن نزدیک می شوند، او را به سوی خود می کشاند و در کام خویش فرو می برد. به هر حال وقتی از این گذرگاه، عمومی سرکشان بگذرند، یافرشندگان عذاب آن ها را می ربایند و یا جاذبه شدید جهنم. (1)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که درباره این آیه و آیات بعدی فرموده اند:

ص:20

1- تفسیر نمونه، ج 26، ص 42.

این آیه شدیدترین آیه ای است که در قرآن مجید درباره دوزخیان آمده است. (1)

امام علی علیه السلام: از آتشی بپرهیزید که حرارتش شدید و عمق آن ناپیدا و زیور آن غُلّ و زنجیر و آشامیدنی آن زردآب و چرک جوشان است. (2)

نام های 19 گانه دوزخ و معانی آنها

واژه «جَهَنَّم» که معروف ترین نام دوزخ است 77 بار در قرآن کریم آمده است. همچنین نام مکان های متعدد جهنم در آیات متعدد قرآن کریم ذکر و تکرار

شده است که عبارتند از:

1 سَقْر: دوزخ 4 بار

ص: 21

1- نهج البلاغه، خ 120 .

2- تفاسیر: کشاف، ج 4، ص 690، روح البیان، ج 10، ص 307 و صافی، ذیل آیه مربوطه.

2 نار: آتش 145 بار

3 سَعِير: شعله آتش 16 بار

4 جَحِيم: آتش سوزان 25 بار

5 حُطَمَه: آتش خردکننده 2 بار

6 هَاوِيَه: سیاهچال جهنم 1 بار

7 لَظِي: آتش خالص 1 بار

8 بِنَسَ الْقَرَار: بد جایگاه

9 بِنَسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ: بدجای واردشدنی است برای وارد شده

10 الْحَافِرَة: گودال

11 دَارُ الْفَاسِقِينَ: خانه تبهکاران

ص: 22

12 الشَّوَى: تَزَاعَةُ لِشَّوَى (70 / معارج): بسیار کننده پوست های بدن و اطراف بدن را

13 أَلْهَائِيَّةٌ: دوزخ (محل سقوط در آن)

14 بَيْسَ الْمَصِيرِ: بد جای بازگشتی

15 أَلْسَاهِرَةٌ: خواب از چشم رباینده

16 السَّمُومُ: باد بسیار سوزان

17 بَيْسَ الْمِهَادِ: بد از جهت گهوار بودن

18 دَارُ الْبَوَارِ: خانه نابودی

19 سُوءُ الدَّارِ (1): خانه بد

ص: 23

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ

برای دوزخ، هفت در است و از هر دری عده ای معین از آن ها (کفار) وارد دوزخ می شوند(1)

بهشت هشت در دارد. به این ترتیب بهشت یک در بیشتر از دوزخ داشته و این امر، حکایت از رحمت واسعه الهی و سبقت رحمت حضرت حق بر

غضب او دارد.

اما درباره هفت در دوزخ به نظر می رسد که سه نکته قابل تأمل باشد:

1 منظور از هفت در، واقعا عدد هفت باشد و دوزخ دارای هفت در باشد

ص: 24

که از هر دری گروهی وارد آن می شوند.

2 شاید بتوان گفت با توجه به این که عدد هفت به معنی بی نهایت هم استعمال می شود، درهای دوزخ فراوان است. (1)

3 بعضی ها «سَبْعُ أَبْوَابٍ» را به هفت طبقه دوزخ معنی کرده اند، حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: جهنم هفت در دارد، هفت

طبقه بالای بعضی قرار گرفته است، سپس یکی از دست های خود را روی دیگری قرار داد و فرمود: این طور. (2)

ص: 25

1- نمونه، ج 11، ص 77؛ این قول را تأیید می کند.

2- مجمع البیان، ذیل این آیه.

دوزخ بسیار گسترده و وسیع است. آن قدر که همه گناهکاران جن و انس اولین و آخرین که فراوان هم هستند در آن جا داده می شوند. براساس قرآن کریم، این وسعت و بزرگی به قدری است که پس از این که همه گناهکاران را بلعید، باز هم هل من مزید می طلبد:

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ نَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ...

روزی که به جهنم می گوییم: آیا امروز (روز قیامت) از کافران پر شده ای؟ و او می گوید: آیا باز هم دوزخی هست (که وارد من شود چون هنوز جا دارم). (1)

بنابراین، دوزخ بسیار وسیع و گسترده است.

ص: 26

مفسر تفسیر نمونه ذیل آیه 30 سوره ق نوشته است:

دوزخیان بسیارند و جهنم منظره هولناک و وحشتناکی دارد و تهدید الهی جدی و به گونه ای است که فکر درباره آن لرزه بر اندام هر انسانی می اندازد و به او هشدار می دهد که:

1/ 30 ق.

نکند یکی از آن نفرات من یا شما باشیم! (1)

«سَجِّین» پایین ترین مکان جهنم

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ

مسلم نامه اعمال فجار در سجین است. (2)

سجین وادی بسیار هولناکی در دوزخ است.

ص: 27

1- نمونه، ج 22، ص 275.

2- 7 / مطفین.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده اند: «سجین» زمین هفتم و پایین ترین مکان «دوزخ» است. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: «سجین» به معنی دوزخ یا قعر زمین است. (2)

فجار کسانی هستند که بی پروا و بی محابا و گستاخانه و آشکار به انجام گناهان می پردازند. چنین کسانی به تناسب گناهانشان گرفتار اعمال خویش خواهند شد.

ص: 28

1- نور الثقلین، ج 5، ص 530.

2- نمونه، ج 26، ص 258.

دوزخیان به چه زبانی صحبت می کنند؟

در اصل ارتباط و مفاهمه (فهماندن مقصود به هم دیگر) در بین مردم در جهان آخرت، شکی نیست و آیات زیادی بر این مطلب دلالت می کنند. از جمله در آیات 39 تا 46 سوره مدثر می خوانیم:

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ. فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ الْمُجْرِمِينَ. مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ. قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ. وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ. وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ

به جز یاران دست راست (که نامه عمل آن ها را به نشانه ایمان، به دست راستشان می دهند). آن ها در باغ های بهشتند و از مجرمان (و گناهکاران) سؤال می کنند چه چیز شما را در آتش (دوزخ) درآورد. می گویند ما از نمازگزاران

نبودیم. و بینوایان را غذا نمی دادیم. و پیوسته با اهل باطل به هرزگی مشغول بودیم.

و همواره روز قیامت را انکار می کردیم.

و نیز سوره های واقعه، آیات 25 و 26، مؤمن، آیه 49 و 50؛ مؤمنون، آیه 107 و 108 و اعراف، آیه 44 بر این حقیقت دلالت دارند. اما این که ارتباط و مفاهمه به چه صورتی و با چه زبانی صورت می گیرد و اساساً آیا زبانی که در میان اهل دنیا متداول و مرسوم است در آن جا نیز کاربرد دارد یا نه و بسیاری از مسائل دیگر، برای ما مشخص نیست.

البته در برخی روایات وارد شده که مردم در جهان آخرت با زبان عربی تکلم می کنند. (1)

ص:30

1- المیزان، ج 11، ص 11 و 12.

آیا دوزخ جاودان است؟

دوزخ جاودان است؛ اما، دوزخیان به دو گروه تقسیم می شوند:

1 کسانی که به خداوند متعال ایمان داشته اند، اما گناهانشان بیشتر از کارهای خوبشان بوده است.

این ها به اندازه گناهایی که کرده اند، مجازات می شوند و سپس از دوزخ رها می گردند.

2 کسانی که به خداوند متعال ایمان نیاورده، کفر و شرک و نفاق را در زندگی خویش نهادینه کرده و نامه عمل خویش را سیاه و تباه کرده اند، هرچه کرده اند بدی و ظلم و ستم بوده است، و ناچار باید همیشه با

آنچه کرده اند زندگی کنند. خداوند متعال در این باره فرموده است:

ص:31

خَلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ

آن‌ها (گروه دوم) تا آسمان و زمین باقی است، در آتش جاودانه اند مگر این که مشیت خداوند بخواهد (گروه اول) را نجات دهد که البته خداوند (با قدرت و حکمت خویش) هرکاری بخواهد انجام می‌دهد. (1)

گفته شده است که:

استثنا در آیه اشاره به بعضی از اهل آتش است (موحدان خطاکار) که پس از

مدتی از آتش آزاد خواهند شد؛ چنان که در برخی روایات اشاره به این مطلب شده است. به همین جهت بعد از استثنا فرمود: «إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ» پروردگارت

ص: 32

هرچه را بخواهد انجام می دهد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: «گناهکاران و شقاوتمندان برای همیشه در آتش جاودانه خواهند ماند، مگر گناه کارانی که اهل توحید باشند که بعد از پاک شدن وارد بهشت خواهند شد. (1)

همچنین به جاودانگی دوزخ در آیات دیگر قرآن کریم اشاره شده است. (2)

مفسر تفسیر نمونه درباره «خالدین فیها» نوشته است: دلیل بر جاودانگی عذاب دوزخیان است. (3)

ص: 33

-
- 1- المیزان، ج 11، ص 23 35؛ تفسیر نمونه، ج 9، ص 245 248؛ قاموس قرآن، ج 2، ص 272 276؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ذیل آیات 105 108، سوره هود.
 - 2- 167 / بقره، 18 / مائده، 22 / توبه.
 - 3- نمونه، ج 9، ص 239.

چرا گناهان موقت، مجازات های ابدی دارند؟

گفتیم که دوزخ جاودانه و همیشگی است و دوزخیان نیز به دو گروه تقسیم می شوند: دوزخیان موقتی و دوزخیان همیشگی.

ممکن است که این سؤال مطرح شود که: انسان ها در دنیا در یک عمر محدود گناه می کنند، چرا باید دائم عذاب شوند؟

در پاسخ به این سؤال می توان گفت:

از آن جا که پاداش و کیفر اخروی، نتیجه و اثر عینی بلکه تجسم عمل انسان است، دیگر مسئله برابری از نظر کمیت (زمان) و کیفیت مطرح نیست. بنابراین، هنگامی که گناه و کفر و طغیان و سرکشی سراسر وجود انسانی را احاطه کرد و تمام بال و پر روح و جان او در آتش بیدادگری و نفاق سوخت، چه جای تعجب

که در سرای دیگر برای همیشه از نعمت پرواز محروم گردد. چراکه او آگاهانه و با اختیار، قدم در راه تباهی گذاشته و گرفتار عذاب ابدی شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام به این مطلب اشاره شده است:

به این سبب (جمعی از) اهل دوزخ همیشه در آن می مانند که تبت آن ها این بوده که اگر جاودانه در دنیا بمانند، گناه و معصیت خدا کنند و به این سبب

اهل بهشت همیشه در آن می مانند که قصد آن ها این بوده که اگر همیشه در این جهان بمانند، فرمان خدا را اطاعت کنند، بنابراین هر دو دسته به خاطر نیت و قصدشان «خلود» یافتند. [\(1\)](#)

ص: 35

1- وسائل الشیعه، ج 1، ص 36.

رابطه بین گناه و مجازات

برای تشریح بیشتر این موضوع که گناهکاران چرا الی الابد (البته کفار معاند) در دوزخ مجازات می شوند انواع رابطه بین عمل و کیفر را بررسی می کنیم:

1 گاهی کیفر و مجازات براساس قوانین و قراردادهای تعیین و اجرا می شود. مثل این که اگر کسی از چراغ قرمز عبور کند، فلان مبلغ جریمه می شود. در این گونه موارد، چنانچه بین جرم و کیفر تناسب برقرار شود، عدالت اجرا شده است.

2 نوع دوم از مجازات و کیفر، مجازاتی است که محصول طبیعی و نتیجه وضعی اعمال است. به عنوان مثال: اگر کسی به سوی مواد مخدر برود، خود را

ص:36

ذلیل و علیل و خوار و بدبخت می کند و به اعتیاد و انواع بیماری ها گرفتار می شود. این کیفر، محصول عمل فرد است و هیچ قانونی نمی تواند آن را تغییر دهد. بلکه انسان ها باید با شناخت و توجه، خود را با اینگونه قوانین طبیعی تطبیق دهند تا کیفر نشوند.

3 نوع سوم از رابطه بین عمل و کیفر، کامل تر و عمیق تر از دو نوع قبلی

است و آن این است که: هرکار ما، دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

جنبه ظاهری و مادی کار، پس از عمل از بین می رود مثلاً وقتی شما حرف نامناسب و زشتی به کسی بزنید پس از آنکه سخن شما تمام شد، اثری ظاهری از آن وجود نخواهد داشت.

اما جنبه باطنی و غیبی کارها و سخنان ما هرگز از بین نمی رود و در

ص: 37

جان ما ثابت می ماند (مانند فیلمی که از همین کار اگر بگیریم دائم قابل مشاهده و شنیدن است.)»

بنابراین هر عمل که توسط ما انجام شود (و سخن نیز در ردیف عمل است) ضمن ثبت در جانمان توسط فرشتگان ثبت کننده اعمال نیز ثبت و ضبط و نگهداری می شود:

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ

هرکسی می داند آنچه را که (در دنیا) آماده و حاضر کرده است. (1)

بنابراین در قیامت عین عمل انسان نمایان می شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

ص: 38

برای تو ناچار همنشینی (از عملت) خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی شود. با تو (در گور) دفن می شود در حالی که مرده ای و او زنده است. همنشین تو اگر شریف باشد، تو را گرامی خواهد داشت و اگر (خوب) و شریف نباشد، تو را به دامن حوادث (ناگوار) می سپارد. او با تو همنشین می شود و در روز

قیامت همراه تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی!

پس، دقت کن! همنشینی (که از اعمالت) انتخاب می کنی نیک (کارهای نیک) باشد. زیرا اگر او نیک باشد مایه انس (و خوشحالی ابدی) تو خواهد شد و در غیر این صورت موجب وحشت (و ناراحتی ابدی) تو می شود. آن همنشین، اعمال توست. [\(1\)](#)

ص: 39

1- معانی الاخبار، ج 1، ص 233.

امام علی علیه السلام درباره لزوم ترک گناه برای دوری از دوزخ فرموده اند: همانا گناهان چون مرکب های سرکش و بدرفتارند که سواران خود را (گناهکاران را) رهاشده در دوزخ می اندازند. (1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند:

موقعی که میت به قبر گذاشته شود، شخصی مقابل او مجسم می شود و وقتی میت از هویت او سؤال می کند، او می گوید:

من عمل تو در دنیا بودم که از این به بعد همیشه با تو هستم (2)

امام سجاد علیه السلام نیز فرموده اند:

ص: 40

1- نهج البلاغه، خ 16.

2- فروع کافی، ج 3، ص 240.

خود اعمال، زنجیرهای عذاب در گردن گناهکار می شود(1)

امام خمینی «ره» گفته است:

هر ذره ای که انسان عمل می کند، یک صورت ماورای طبیعت دارد(2)

جهنم، اعمال توست که در آن جا حاضر می بینی، صورت بهشتی و جهنم جسمانی، همان صور اعمال و افعال حسنه و سیئه بنی آدم است.(3)

استاد مطهری در این باره نوشته است:

اعمال ما صورتی ملکی دارند که فانی و موقت است، و صورتی و

ص: 41

1- صحیفه سجادیه، دعای 42.

2- صحیفه نور، ج 6، ص 279.

3- چهل حدیث، ص 21.

وجهه ای ملکوتی دارند که پس از صدور از ما، هرگز فانی نمی شوند. (1)

امام خمینی، نظریه وجود معذب و معاقب خارجی را چنین رد می کنند:

یک جای دیگری هم هست که در آن جا شکنجه هایی است که ما نمی توانیم بفهمیم و آن از خود اعمال است؛ این طور نیست که نظیر این جا یک فراشی از خارج بیاید و شکنجه کند. (2) تمام عذاب هایی که در آن عالم است، از خود ماست، خداوند تبارک و تعالی مهیا نکرده یک چیز را، که ماورای خود ما، به ما بدهند. (3)

ص: 42

1- عدل الهی، ص 221.

2- صحیفه ی نور، ج 6، ص 279.

3- همان، ج 15، ص 81.

چگونگی آفرینش دوزخ

درباره این که آیا دوزخ هم اکنون آفریده شده است یا خیر می توان گفت: به یک تعبیر بله. به یک تعبیر نه!

به تعبیری که می گوییم بله، مقصودمان این است که: زمینه دوزخ و همه چیز برای تبدیل گناهان به آتش فراهم است، همچنین به اندازه گناهان بخشیده نشده هراسانی، دوزخ او آماده شده است.

اما به تعبیری که می گوییم نه، مقصود آن است که هراسانی، آفریننده و تجهیزکننده دوزخ خویش است. بنابراین به اندازه گناهایی که هنوز انجام نداده ایم، دوزخ ما آفریده نشده است یا به تعبیر بهتر، آن را نیافریده ایم.

به همین جهت گفته شده است که:

مفهوم صحیح این عبارت (هرکسی جهنم خود است و بهشت خود) این است

که هرکسی خود، خالق بهشت و یا جهنم خود است. چرا که بهشت و جهنم، زمین های خالی است که به وسیله اعمال ما پر از نعمت های بهشتی و یا پر از عذاب های جهنمی می شوند (در صورتی که اعمال نیکی باشند، به صورت نعمت های جالب و زیبای بهشتی و اگر اعمال بد و شری باشند، در قیافه وسایل شکنجه و عذاب، مجسم می شوند).⁽¹⁾

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: دوزخیان به خاطر اعمال (بدشان) شقاوتمند شدند.⁽²⁾

مفسر تفسیر نمونه درباره این که دوزخ هم اکنون موجود است نوشته است: طبق ظاهر آیات قرآن، جهنم هم اکنون موجود است و طبق تحلیلی که داشته ایم در

ص: 44

1- پیام قرآن، ج 6، ص 341 344، ج 2، ص 511.

2- توحید صدوق، ص 356.

باطن و درون این دنیا است و به این ترتیب حقیقتاً کفار را احاطه کرده است.

در آیات 5 تا 7 سوره تکاثر به این مطلب اشاره شده است:

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

این چنین نیست، اگر علم یقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید سپس آن را به عین یقین می دیدید (1)

بنابراین، دوزخ هم اکنون آماده است اما، بر اثر اعمال بد انسان ها توسعه می یابد.

و هرکس با اعمال بد خویش اعم از اعمال ماتقدم و ماتأخر، در

ص: 45

1- تفسیر نمونه، ج 16، ص 322.

حال گسترش دادن، عمیق کردن و دمیدن در آتش جایگاه ابدی خویش است.

بدترین جایگاه دوزخ

بنابر آیه 145 سوره نساء، «درک اسفل» بدترین و پایین ترین طبقه دوزخ است:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ نَصِيرًا

آری، منافقان در فروترین (و پست ترین) درجات دوزخ اند و هرگز برای آنان یابوری نخواهی یافت.

مفسر تفسیر نمونه درباره جایگاه منافقان در دوزخ نوشته است:

این آیه، سرنوشت منافقان را بطور مشخص بیان کرده و مکان ابدی آنها را پایین ترین مرحله دوزخ شمرده است. (1)

ص: 46

1- تفسیر نمونه، ج 4، ص 181.

حضرت علی علیه السلام درباره شدت آتش دوزخ فرموده اند:

بترسید از آتشی که ژرفای آن زیاد و حرارتش شدید و عذابش نوبه نوبه نو وارد می شود، در جایگاهی که رحمت در آن وجود ندارد و سخن کسی را نمی شنوند

و ناراحتی ها در آن پایان ندارد. (1)

عذرها پذیرفته نمی شود

... وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

و روز قیامت و هنگام انداختن دوزخیان به جهنم، هیچ توبه و عذر و (گریه و التماس) را از آن ها نمی پذیرند. (2)

ص: 47

1- نهج البلاغه، نامه 27.

2- 35 / جاثیه.

مفسر تفسیر نمونه درباره پذیرفته نشدن عذرهای دوزخیان نوشته است:

(خداوند) در این جا می گوید، از آن ها عذری پذیرفته نمی شود و در نتیجه راه نجاتی برای آن ها نیست. (1)

مالک دوزخ و فرشتگان عذاب

مسئول دوزخ، فرشته ای به نام «مالک» است.

علاوه بر مالک، نوزده نفر دیگر از فرشتگان بر دوزخ نظارت می کنند. خداوند متعال در این باره در آیه 31 سوره مدثر فرموده اند:

«عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ. وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً... وَ مَا

ص: 48

1- تفسیر نمونه، ج 21، ص 290.

نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن (دوزخ) گمارده شده اند. مأموران دوزخ

را فقط از فرشتگان (عذاب) قرار دادیم... و (تعداد) لشکریان پروردگارت (فرشتگان) را جز او کسی نمی داند...

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

بعضی گفته اند اشاره به نوزده گروه از فرشتگان می باشد... درباره عدد 19 هم بعضی گفته اند که: ریشه اخلاق رذیله به نوزده خلق ظاهر و باطن باز می گردد و از آنجا که اخلاق رذیله هر یک عامل یک عذاب الهی است، طبقات دوزخ 19 طبقه به تعداد آن ها و در هر طبقه فرشته یا گروهی از فرشتگان مأمور عذابند.

البته هریک از این فرشتگان قدرت عظیمی دارند و... (1)

شاید هم این نوزده فرشته، فرماندهان اصلی هستند که زیر نظر مالک انجام وظیفه می کنند؛ اما هریک، دارای فرشتگان زیردست زیادی هستند که همه باهم به اداره امور دوزخ وفق نظر حضرت حق می پردازند.

حضرت علی علیه السلام درباره عذاب و غضب مالک دوزخ، در خطبه 183 نهج البلاغه فرموده اند:

آگاه باشید که این پوست نازک بدن، طاقت آتش دوزخ را ندارد. پس به خودتان رحم کنید. شما مصیبت های دنیا را آزموده اید. آیا ناراحتی های یکی از

ص:50

1- نمونه، ج 25، ص 235.

افراد خود را بر اثر خاری که در بدنش فرورفته یا در زمین خوردن پایش زخمی

شده یا ریگ های داغ بیابان او را رنج داده، دیده اید که تحمل آن مشکل است. پس چگونه می شود تحمل کرد که در میان دو طبقه آتش، در کنار سنگ های گداخته همنشین شیطان باشید؟ آیا می دانید که وقتی مالک دوزخ بر آتش غضب کند، شعله ها بر روی هم می غلظند و یکدیگر را می کوبند! و آنگاه که بر آتش بانگ زند شعله ها در میان دره های جهنم به هرطرف زبانه می کشد...

درباره خصوصیات مالک دوزخ نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: «که روز قیامت مالک نزد من می آید و می گوید: ای احمد صلی الله علیه و آله! درود بر تو. من در جواب می گویم: درود بر تو ای فرشته! رویت چه زشت و دیدنت چه نازیباست. تو که هستی؟ او می گوید: من مالک و خازن دوزخ هستم، و این کلیدهای دوزخ است

ص: 51

که خداوند با عزت آن‌ها را برای تو فرستاده است. ای احمد صلی الله علیه و آله! این‌ها را بگیر و

من می‌گویم: این را از پروردگرم پذیرفتم، سپاس او را سزاست که مرا با این مقام برتری داد. و من نیز آن‌ها را به برادرم علی ابن ابی طالب می‌سپارم، سپس مالک بازگشته و علی ابن ابی طالب می‌آید و درحالی که کلیدهای بهشت و دوزخ در دست اوست، بر گلوگاه دوزخ می‌ایستد، در این حال شراره‌های آن پراکنده، و بانگ دم برآوردن هراس انگیز آن بلند، و حرارت آن طاقت فرسا و شدید است، و علی علیه السلام مهار آن را در دست دارد. دوزخ به او می‌گوید: از من زود بگذر، چون نور تو شراره‌های مرا خاموش می‌کند، و علی علیه السلام به او می‌گوید: آماده باش این را بگیر و آن را رها کن. این را بگیر که دشمن من است و آن را رها کن که دوستدار من است، و اطاعت و فرمانبرداری دوزخ از علی علیه السلام بیشتر از اطاعت بنده از

ص: 52

صاحبش است و هرگاه که او بخواهد دوزخ را به طرف راست، و یا به

طرف چپ می کشاند، و دوزخ در آن روز از تمامی خلائق، اطاعت و فرمانبرداری بیشتر به او و آنچه بدان فرمان می دهد، دارد.»

گفتگوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جبرئیل درباره دوزخ

در ارشاد القلوب از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حالیکه نشسته بود جبرئیل بر او نازل شد در حالی که بسیار افسرده، محزون و غمگین بود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای جبرئیل! تو را چه شده است که افسرده خاطر و محزون می بینمت، عرض کرد: چگونه محزون نباشم حال آنکه خداوند امر فرمود هزارسال به آتش جهنم دمیدند سفید شد و هزار سال دیگر بر او دمیدند تا این که سیاه شد و

ص: 53

آتش جهنم سیاه می باشد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و جبرئیل گریه کردند، به آن ها وحی رسید گریه نکنید من شما را از عصیان حفظ می کنم تا اینکه مبتلا به جهنم نگردید و بعد از این قضیه پیغمبر صلی الله علیه و آله را کسی خندان ندید. جبرئیل حضور آن حضرت عرض کرد، پس از آن که خدا جهنم را آفرید اشک چشم من نخشکیده است از ترس آنکه مبادا از من خلافی صادر شود و مستحق جهنم گردم و میکائیل نیز چنین است.

از آیات قرآن کریم و اخبار استفاده می شود که به امر حق در روز قیامت، جهنم را می کشند و در صحرای قیامت می آورند چنانچه حضرت سبحان در سوره فجر می فرماید:

ص: 54

وَ جِي آءِ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (1)

یعنی آورده می شود در روز قیامت و در آن روز متوجه می شود انسان که چه کرده است و لکن از کجا که این توجه به حال او فایده داشته باشد.

در مجمع البیان از ابی سعید خدری نقل شده که چون این آیه بر پیغمبر اکرم نازل شد صورت آن حضرت تغییر کرد. اصحاب آثار حزن و غم را در صورت آن حضرت مشاهده می کردند و لکن کسی را جرأت آن که سبب حزن آن حضرت را سؤال کند نبود تا این که علی علیه السلام وارد مسجد گردید و چون حال حضرت رسول را مشاهده کرد نزدیک آمد و ما بین دو کتف حضرت رسول را بوسید و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، چه رخ داده که چنین حالی به شما دست

ص: 55

داده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل آمده و این آیه را برای من آورده است،

امام علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله چگونه جهنم را به صحرای محشر می آورند؟ حضرت فرمود: هفتاد هزار ملک با هفتاد هزار ریسمان جهنم را می کشند و می آورند به طوری که از آن شراره هایی بالا می رود که هر شراره به اندازه قصری است، همان طور که خدا می فرماید: «أَنهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ. كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ». (1)

و مرحوم صدوق از علی بن ابراهیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چون آیه «وَجِيَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» بر پیغمبر اکرم نازل شد از پیغمبر سؤال کردند چگونه جهنم را در محشر حاضر می کنند؟ حضرت

ص: 56

فرمودند: جبرئیل مرا خبر داد که چون حضرت حق جمیع مردم را در صحرای محشر حاضر گردانید امر می فرماید تا اینکه جهنم را حاضر کنند و ملائکه غلاظ و شداد جهنم را به محشر می آورند و از برای آن غرش و صدای وحشتناکی است که اگر خداوند حفظ جان مردم را نکند احدی از ترس زنده نمی ماند پس ناگاه از او شعله آتشی خارج می شود و به دور مردم احاطه می کند که تمام مردم از پیغمبر و وصی و عبد و آزاد و زن و مرد و ملک همه صدای آن ها از ترس بلند می شود و می گویند: «رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي وَ أَنْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ رَبُّ أُمَّتِي أُمَّتِي». یعنی همه می گویند: پروردگارا! به فریاد ما برس و لکن تو یا رسول الله، می گویی پروردگارا به فریاد امت من برس.

و در ذیل آیه شریفه «إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا» (1)

وارد است که چون مردم جهنم را از دور ببینند، از او غرشی می شنوند و می بینند از او شراره هایی که، اگر یک شراره آن در زمین دنیا می افتاد جمیع آنچه در روی زمین بود می سوزانید و اگر صیحه جهنم را اهل دنیا می شنیدند تمام آن ها از ترس می مردند. ولکن چون در قیامت مرگ وجود ندارد مردم از ترس دیدن جهنم جان نمی دهند البته بعضی از مردم از ترس به زانو در می آیند و بعضی به صورت به روی زمین می افتند و هرکس در فکر خود می باشد و فقط در بین انبیاء حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله در فکر امت خود می باشد و می گوید: «رَبِّ أُمَّتِي».

ص: 58

همچنین در آیات است که جهنم دارای هفت طبقه می باشد چنانچه خداوند می فرماید:

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (1)

از برای جهنم هفت طبقه و در است که از هر در آن عده ای از مردم باید داخل شوند.

و در لآلی الاخبار از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

خدا از برای آتش جهنم هفت طبقه قرار داده:

«اول» جَحِيم: و ساکنین جحیم از فشار آتش بدن های آن ها زیر و رو

می شود مثل گوشتی که در دیگ، از فشار جوشش دیگ

ص:59

زیر و روی می گردد.

«دوم» لَظَى: چنانچه خدا می فرماید در قیامت شخص گنه کار تمنا می کند که فدیة بدهد اولاد و همسر خود و عشیره و قبیله خود را و آنچه در روی زمین مالک می باشد تا اینکه از جهنم نجات پیدا کند و لکن نه چنین است، آن ها وارد لظی خواهند شد که طبقه دوم جهنم است و این وادی از شدت حرارت گوشت بدن را از استخوان جدا می کند.

«سوم» سَقَر: که منزل متکبران است و خداوند سبحان در قرآن می فرماید: «سَأُصَلِّیْهِ سَقَرَ. وَ مَا أَذْرِیْكَ مَا سَقَرٌ. لَا تُبْقِیْ وَلَا تَذَرُ»⁽¹⁾؛ یعنی ما آن متکبر

معاند را با آتش سقر می سوزانیم و چه می دانی تو که سقر کدام است، آن

ص:60

آتشی است که نه به جای می‌گذارد و نه آرام می‌نهد.

«چهارم» حُطْمَه: چنانچه خدای متعال می‌فرماید: «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَ مَا أَدْرِيكَ مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْفُؤَادِ (1)»؛ یعنی آنچنان کسانی را که در حضور و در غیاب مردم را اذیت می‌کنند و جمع مال می‌نمایند و انتظار می‌کشند روز بیچارگی مردم را و خیال می‌کنند آنکه مال دنیا آن‌ها را در دنیا مخلد می‌دارد نه چنین است بلکه این افعال زشت موجب می‌شود که آن‌ها را

در حطمه بیندازند، بعد می‌فرماید: «یا رسول الله آیا می‌دانی حطمه چه جای سختی است، حطمه آتشی است که خداوند با آتش غضب خود برافروخته است و از شدت حرارت بر دل‌های بندگان خدا سرایت می‌کند».

ص: 61

«پنجم» هاویة: و حرارت هاویه به قدری سخت است که پوست بدن اهلش درهم کشیده می شود. چنانچه خدای تعالی می فرماید:

«كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (1)؛ یعنی هرگاه پوست بدن اهل هاویه درهم کشیده شود و سخت گردد که دیگر الم عذاب را نچشند ما آن پوست را بدل به پوست دیگری می کنیم

که تازه باشد و خوب عذاب در آن اثر کند. به درستی که خدا قادر است و در مواعیدی که داده از برای او عجزی نیست و به قدر و اندازه استحقاق هرکسی را عذاب می کند، نه اینکه در عذاب او تعدی کند و از عدل تجاوز نماید. گفته شد هرگاه انسان با پوست بدنی مثلاً معصیت نماید عدل اقتضاء می کند که عذاب و

ص: 62

تأدیب هم بر همان بدن و پوست وارد آید و حال آن که خدا در این آیه شریفه خبر داده ما پوست بدن اهل جهنم را عوض می کنیم و این برخلاف عدل می باشد؟

در جواب این اشکال گفته شده تبدیل پوست به پوست دیگر نه آن است که پوست به کلی عوض شود و حقیقتش مبدل گردد بلکه از قبیل خشت کهنه است که او را خشت مال بکوبد و گل نماید و در غالب بگذارد، آن خشت تازه و نو شده اما نه آنکه ماده او عوض شده باشد بلکه صورت نوعیه او مبدل گردیده والا

حقیقتش کما هو باقیست.

«ششم» سعیر: و خداوند در کلام مجیدش می فرماید:

«إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا» (1)؛ یعنی ما از برای کفار مهیا

ص: 63

نموده ایم زنجیر و غل هایی و ورود آن ها در سعیر است و در سعیر خیمه هایی از آتش برای ساکنین آن زده شده و خانه هایی از آتش و مار و عقرب های جرار برای اهل او مهیاست.

«هفتم» فَلَقْ: و خدای تبارک و تعالی در کلام مجیدش به پیغمبر اسلام دستور می دهد: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» (1)؛ یعنی بگو، یا رسول الله من پناه می برم به

پروردگار خود از فلق و فلق دارای چاهی است که هرگاه از آن چاه روزن هایی باز شود جهنم شعله ور می شود، شعله ور شدنی عجیب و آن چاه را غضبان می گویند، چون از غضب حق برافروخته شده و عمق آن چاه

ص: 64

1-1 / فلق.

به مقدار آن است که کسی صد سال برود تا به عمق آن برسد(1)

گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان

یکی از عذاب های دوزخیان، عتاب های فرشتگان عذاب به آنها است. این فرشتگان خطاب های قهرآمیز الهی و نیز شماتت ها و استدلال های خودشان را به

دوزخیان می گویند. در کتاب فرشته ها در این باره آمده است:

یکی از عذاب های روز قیامت برای کفار و ستمگران و منافقان، خطاب های قهرآمیز خداوند متعال به فرشتگان درمورد آنهاست. قرآن کریم در آیات متعدد به این خطاب ها اشاره فرموده است. روز قیامت به فرشتگان خطاب می شود: اینک ستمکاران را با همسران (کافر) و معبود(های دروغینشان) حاضر کنید! و

ص:65

1- اسرار معراج، صفحات 234 و 237.

غیر از خدا هر چه می پرستیدند را بیاورید و همراه با آن ها همه را به راه دوزخ کشانید و در موقف، حساب آن ها را نگهدارید که در (پاسخگویی به) کارشان سخت مسئولند...

در آیات 47 و 48 سوره دخان نیز در این باره چنین آمده است:

خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ . ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

خطاب قهر (به فرشتگان عذاب) رسد که بدکاران را بگیرید و به میان دوزخ بیندازید سپس از آن آب جوشان (دوزخ) بر سرش بریزید...

همچنین در آیه 48 سوره قمر خداوند متعال فرموده اند:

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ

ص: 66

روز قیامت روزی (است که فرشتگان) آنها (کفار و ستمگران) را با صورت به آتش دوزخ می کشند و (به آن ها می گویند): حالا درد دوزخ را بچشید...

در آیه 45 سوره شوری به برخورد فرشتگان با دوزخیان، چنین اشاره شده است:

وَتَرِيهِمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ

در آن روز آن ظالمان را ببینی که (فرشتگان) به سوی دوزخ می برندشان و آن ها با ترس و ذلت از گوشه چشم به آتش دوزخ نگاه می کنند
و...

گفتگوی فرشتگان و مشرکان نیز در آیه 72 و 73 سوره مؤمن اینطور آمده است:

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

ص: 67

وقتی مشرکان در آتش برافروخته دوزخ می افتند (فرشتگان) به آن ها می گویند: معبودهای باطلی که شریک خداوند می پنداشتید، کجا رفتند؟!... (1)

در کنار دوزخ زانو می زنند

ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثَّةً: سپس همه (دوزخیان) را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش دوزخ به زانو درآیند. (2)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: این آیه نشان می دهد که دادگاه افراد بی ایمان گناهکار نزدیک جهنم است! تعبیر: بر سر زانو نشسته شاید

ص: 68

1- فرشته ها ، ص 157.

2- 68 / مریم .

اشاره به ضعف و ناتوانی و ذلت و زبونی آن ها باشد، گویی قدرت ندارند بر سرپا بایستند(1)

مفسر تفسیر المیزان آورده است: مردم روز قیامت انبوه انبوه و دسته دسته حاضر می شوند، دسته های متراکم (و انبوه) که از کول هم بالا می روند. جاثی کسی را می گویند که بر دو زانو نشسته باشد... (2)

در تفسیر راهنما آمده است:

خداوند، شیاطین و منکران معاد را در قیامت، خوار و ذلیل، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد. آن ها

ص: 69

1- نمونه، ج 13، ص 116.

2- المیزان، ج 14، ص 130.

در اطراف جهنم و در گروه‌هایی فشرده و متراکم، احضار خواهند شد. (1)

آری:

این حالت، ذلت و خواری فراوان، انتظار و اضطراب بی پایان و ضعف و زبونی گناهکاران را در بدو ورود به دوزخ نشان می‌دهد.

نشاندت ذلیل و زار و نالان *** کنار دوزخ داغ و خروشان

نه پای رفتن و نه جای ماندن *** شوی در مانده و ناچار و گریان (2)

ص: 70

1- راهنما، ج 10، ص 704.

2- مؤلف.

دست ها را به دندان می گزند!

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ...

و روزی که ظالمان از حسرت دست به دندان گرفته می گزند و... (1)

در تفسیر المیزان آمده است: به یاد آور روزی را که ستمگر آن چنان پشیمان می شود که از شدت ندامت دستش را به دندان می گزد و می گوید: ای کاش راهی با رسول باز می کردم و راه باریکی به سوی هدایت به دست می آوردم (2)

مفسر تفسیر نمونه هم نوشته است: «يَعَضُّ» به معنای گاز گرفتن با دندان

ص: 71

1- 27 / فرقان .

2- المیزان، ج 15، ص 289.

است و معمولاً این تعبیر برای کسانی که از شدت حسرت و تأسف ناراحتند به کار می رود مثل این که در فارسی می گوئیم: فلانی انگشت حسرت به دندان می گزید! (1)

ترسان و لرزان و گریان به آتش نگاه می کنند

و تَرِيَهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ

و ظالمان را می بینی که متوجه دوزخ شده و (ترسان و گریان و لرزان) با ذلت با گوشه چشم به آتش می نگرند. (2)

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

ص: 72

1- نمونه، ج 15، ص 70.

2- 45 / شوری، 4 / ابراهیم .

غصب کنندگان حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از شدت ترس و عذاب آخرت، با زیر چشمی به حضرت علی علیه السلام نگاه می کنند. (1)

آیه الله مکارم شیرازی نوشته است: حالت وحشت و اضطراب شدیدی بر همه وجودشان حاکم است و ذلت و تسلیم سرتا پای آن ها را فرا گرفته است و دیگر خبری از آن همه گردنکشی و ستیزه جویی و طغیان و ظلم و... نیست و زیرچشمی به آتش دوزخ می نگرند. این ترسیمی است از کسی که شدیداً از چیزی می ترسد. (2)

علامه طباطبایی آورده است: نگاه ضعیف به آتش دوزخ و مکاره و هول انگیز

ص: 73

1- اثبات الهدی، ج 7، ص 129.

2- نمونه، ج 20، ص 474.

قیامت می کنند برای این که نه می توانند آن را نادیده گرفته و خود را به غفلت بزنند و نه برایشان امکان دارد که از شدت ترس درست و حسابی به آن نگاه کنند...[\(1\)](#)

در تفسیر نور آمده است: وحشت قیامت، قدرت دیدن را از مجرم می گیرد.[\(2\)](#)

کسانی که در این دنیا برای دیگران در: منزل، اداره، جامعه و جهان محیط

رعب و وحشت و ترس بوجود می آورند، در قیامت روزگار سختی خواهند داشت.

ص:74

1- المیزان، ج 18، ص 104.

2- نور، ج 10، ص 422.

این ها در این دنیا باعث:

ترس فراوان، وحشت بی اندازه، گریه های مدام، لرزه های پی در پی، اضطراب زیاد، ناله های دردناک، و... شده اند. اکنون در قیامت باید طعم آنچه را به دیگران به ظلم چشانده اند، به حق بچشند!

از فریاد دوزخ وحشت می کنند

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ

وقتی به جهنم می افتند فریاد وحشتناکی چون شهیق و نعره خران از آتش جوشان می شنوند. (1)

علامه طباطبایی نوشته است: وقتی کفار به جهنم ریخته می شوند، صدای

ص: 75

1-7 / ملک و 12 / فرقان .

شهیقی از آن می شنوند، شهیقی که مثل مغناطیس آن ها را به داخل خود می کشاند... آن ها را مانند نخودی که در دیگ جوشان بالا و پایین می رود، بالا و پایین می کند، به طوری که گویی از شدت غضب می خواهد متلاشی شود. (1)

آیه الله مکارم شیرازی آورده است:

هنگامی که آن ها با نهایت ذلت و حقارت در آن (جا) پرتاب می شوند فریاد

وحشتناک و طولانی جهنم برمی خیزد و تمام وجودشان را در وحشت فرو می برد... این صدا، اشاره به صداهای وحشت زا و ناراحت کننده است. (2)

ص: 76

1- المیزان، ج 20، ص 14 .

2- نمونه، ج 24، ص 327.

و مرگ نعمت می شود!

وَ نَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ

دوزخیان به مالک دوزخ می گویند: ای مالک! از خداوند بخواه تا به ما مرگ بدهد! تا از عذاب رهاشویم. (مالک می گوید: حیف مرگ!) شما در این عذاب همیشه باقی خواهید بود. (1)

علامه طباطبایی نوشته است: منظور از «مالک» همان سرایدار دوزخ است، که در اخبار و روایات عامه و خاصه نیز به این نام نامیده شده است.

مجرمین مالک دوزخ را صدا می زنند و آنچه را که باید از خدا بخواهند از او می خواهند، و این بدان جهت است که اهل دوزخ محبوب از خدا هستند... مجرمین

ص: 77

از مالک درخواست می کنند که او از خدا بخواهد که به این ها مرگ بدهد! بلکه از این عذاب الیم نجات یابند. مالک به ایشان می گوید:
شما در همین زندگی شقاوت بار و در این عذاب الیم خواهید بود. (1)

آیه الله مکارم شیرازی آورده است: آن ها فریاد می کشند که ای مالک دوزخ!

آرزو داریم پروردگارت ما را بمیراند تا از این عذاب دردناک آسوده شویم!

... گاهی چنان مصائب بر انسان فشار می آورد که از خدا تمنای مرگ می کند، و این چیزی است که اگر در این دنیا برای بعضی واقع شود،
در آن جا برای مجرمان جنبه عمومی دارد و همگی تمنای مرگ می کنند!

اما چه فایده که مالک دوزخ به آن ها پاسخ می دهد: شما در

ص: 78

این جا ماندنی هستید و نجاتی حتی از طریق مرگ وجود ندارد!

امکان خروج از دوزخ وجود ندارد

... وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ: و امکان خروج از آتش دوزخ وجود ندارد(1)

برای کسانی که در دوزخ سقوط می کنند، هیچ راه فراری وجود ندارد. امام باقر علیه السلام درباره کسانی که از آتش خارج نمی شوند، فرموده اند:

منظور این آیه، دشمنان حضرت علی علیه السلام هستند که حق او را غصب کرده اند.(2)

1- 167 / بقره .

2- تفسیر لاهیجی، ج 1، ص 145 .

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: این آیه دلیل نقلی روشنی برعلیه کسانی است که معتقدند عذاب آخرت منقطع می شود و پس از مدتی از بین می رود. (1)

حسرت های مداوم

... حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ... گناهکاران در دوزخ، حسرت های فراوان می خورند. (2)

یکی از عذاب های دوزخی، حسرت های فراوان دوزخیان است. آن ها از این که فرصت های عمر خویش را از کف داده و بدبخت و آتشی شده اند

ص: 80

1- المیزان، ج 1، ص 582.

2- 167 / بقره و 44 / اعراف.

دائم افسوس می خورند.

حسرت و افسوس، یکی از دردهای روحی دوزخیان است.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: آن ها جز این که حسرت بخورند چه می توانند بکنند. حسرت از اموالی که فراهم کردند و بهره آن را دیگران بردند،

حسرت بر امکانات فوق العاده ای که برای رستگاری و نجات داشتند و از دست دادند، حسرت به خاطر عبادت معبودهای بی عرضه و بی ارزش به جای عبادت خداوند متعال و... (1)

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: خداوند اعمال آن ها، یعنی محبت و پیروی از غیر از خدا را به آن ها نشان می دهد (اما) به صورت

ص: 81

1- تفسیر نمونه، ج 1، ص 567.

تحقیر مکرر

... مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ: هرکس را در آتش افکنی، او را بسیار خوار و رسوا کرده ای. (2)

یکی از مجازات های دوزخ، خوار کردن دوزخیان است. دوزخیان ضمن این که مجازات های شدید دائمی را تحمل می کنند، خوار و ذلیل هم می شوند.

وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ: و برای ظالمان یار و یابوری نیست.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

ص: 82

1- المیزان، ج 1، ص 582.

2- 192 / آل عمران.

منظور این است که ظالمان، ائمه معصومی ندارند که در موقع گرفتاری آن‌ها را به یاری بطلبند. (1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: خردمندان بیش از آنچه از آتش دوزخ می‌ترسند از رسوایی وحشت دارند، و همین است حال افراد باشخصیت، آن‌ها حاضرند همه‌گونه رنجی را تحمل کنند اما شخصیت آن‌ها و حیثیت و آبرویشان محفوظ بماند. بنابراین دردناک‌ترین عذاب رستاخیز، برای این دسته همان رسوایی در پیشگاه خدا و بندگان خدا است. (2)

در تفسیر راهنما آمده است: خداوند هرکس را در آتش بیفکند به خواری و

ص: 83

1- عیاشی و لاهیجی، ج 1، ص 421.

2- نمونه، ج 3، ص 217.

ذلت کشانده است. خردمندان، رنج دوری از رحمت خداوند و خواری از سوی او

را سخت تر از آتش دوزخ می دانند. (1)

حیرت و ترس و اضطراب شدید

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤْسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنَدَتْهُمْ هَوَاءٌ

... ستمکاران همه سر به بالا کرده و چشم هایشان (از شدت عذاب) حیران و مات و مبهوت شده و دل هایشان در ترس و اضطراب شدید است. (2)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است: آن ها آنچنان دستپاچه می شوند که همه چیز را فراموش می کنند، حتی خودشان را، گویی همه معلومات از جان و

ص: 84

1- راهنما، ج 3، ص 244.

2- 43 / ابراهیم .

دل آن‌ها فرار کرده و هرگونه قوت و قدرت را از دست داده‌اند. بنابراین پنج صفت: خیره شدن چشم‌ها، فراموش کردن همه فکرها، کشیدن گردن‌ها، بلند کردن سرها و از حرکت افتادن چشم‌ها ترسیم بسیار گویایی از هول و وحشت فوق‌العاده شدیدی که در آن روز به ظالمان دست می‌دهد است(1)

نال‌های طولانی و ترسناک

... فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ... در آتش دوزخ آه و ناله می‌کنند... (2)

درباره چنین کسانی گفته شده است که آن‌ها دشمنان اهل بیت هستند که به

ص: 85

1- نمونه، ج 10، ص 375.

2- هود 106 و انبیاء 100.

چنین سرنوشتی دچار شده اند(1)

مفسر تفسیر نمونه منظور از آیه را: ناله و نعره و فریاد دانسته است.(2)

مفسر تفسیر نور نوشته است: «زفیر» فریادی است که همراه با بیرون دادن نفس است و «شهیق» ناله ای است طولانی که توأم با فرو بردن نفس است. بعضی نیز «زفیر» را آغاز صدای الاغ و «شهیق» را پایان آن دانسته اند.(3)

صدای الاغ تقریباً در شروع و پایان چنین وضعیتی دارد، ضمن اینکه بسیار خشن و ناهنجار و مسمتزنکننده نیز می باشد.

ص: 86

1- فرهنگ ائمه از دیدگاه قرآن، ص 216.

2- نمونه، ج 9، ص 235.

3- نور، ج 5، ص 384.

در تفسیر راهنما آمده است: جهنمیان، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است. (1)

غل ها و زنجیرهای آتشی

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَقُونَ

ما هم بر گردن هایشان غل و زنجیر نهاده ایم بطوری که چانه هایشان بالا رفته و چشم هایشان بسته شده است. (2)

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرموده اند: این آیه درباره انکارکنندگان ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. (3)

ص: 87

1- راهنما، ج 8، ص 262.

2- 8/ یاسین، 6/ اعد، 13/ فرقان، 71/ غافر.

3- لاهیجی، ج 3، ص 734.

مفسر تفسیر نور نوشته است: مراد از زدن غل بر گردن آن ها، کیفر آخرت آن ها است، نظیر آیه 71 سوره غافر. [\(1\)](#)

مفسر تفسیر نمونه آورده است: «غل» حلقه ای بود که بر گردن یا دست ها قرار می دادند سپس آن را با زنجیر می بستند... گاه غل هایی که بر گردن بود

جداگانه به زنجیر بسته می شد و غل های بر دست جدا بود. اما گاهی دست ها را در غل می کردند و به حلقه ای که بر گردن بود می بستند و شخص زندانی و اسیر را در محدودیت و فشار و شکنجه قرار می دادند. [\(2\)](#)

ص: 88

1- نور، ج 9، ص 522.

2- تفسیر نمونه، ج 18، ص 321.

آتش از بالا و پایین

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ...

برای آن ها در دوزخ، از بالا و پایین سایه بانی از آتش دوزخ است. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: چون دوزخیان در میان طبقات جهنم گرفتارند، پرده های آتش بالای سر و زیر پای آن ها است. (2)

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: مراد این است که ساتری از آتش در بالای سر و ساتری دیگر در زیر پا دارند، این است که آتش از

همه

ص: 89

1- 16/زمر، 71/مریم، 55/عنکبوت.

2- تفسیر نمونه، ج 19، ص 406

جهات به ایشان احاطه دارد.(1)

در تفسیر راهنما آمده است: مشرکان و کفار در دوزخ، از هرسو در محاصره آتش قرار خواهند داشت. شدت و فراوانی آتش جهنم، در اطراف

مشرکان و کافران است(2)

درخت نفرت انگیز زقوم

... شَجَرَةُ الزُّقُومِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ فَإِنَّهُمْ لَا كَلُونَ مِنْهَا فَمَا لُونُ مِنْهَا
البَطْحُونُ: درخت زقوم جهنم، این درخت، بلای جان ستمکاران عالم

ص: 90

1- .الميزان، ج 17، ص 396.

2- راهنما، ج 16، ص 51 .

است. این درخت، درختی است که از ته دوزخ سر بر می آورد. میوه هایش (در خبثت) مانند سرهای شیاطین است. اهل دوزخ از آن درخت می خورند (بطوری که) شکم هایشان پر می شود. (1)

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: درخت نامبرده وسیله پذیرایی از ستمگران است که از آن می خورند و در این که فرمود (سپس شکم ها را از آن پر خواهند کرد) اشاره است به گرسنگی شدید اهل دوزخ، بطوری که آنقدر حریص به خوردن می شوند که دیگر در فکر آن نیستند که چه می خورند. (2)

مفسر تفسیر نمونه درباره زقوم نوشته است: به گفته اهل لغت گیاهی

ص: 91

1- 62 تا 66/اصافات، 12/دخان .

2- المیزان، ج 17، ص 222.

است تلخ و بدبو و بدطعم.

راغب در مفردات نوشته است: زقوم هر نوع غذای تنفرآمیز دوزخیان است... خوردن از این گیاه دوزخی با آن بوی بد و طعم تلخ و با آن شیره ای که

تماسش با بدن موجب سوزندگی و تورم است، آن هم خوردن به مقدار زیاد، عذابی دردناک است. (1)

در تفسیر راهنما آمده است: زقوم گیاه زهرداری است که در بادیه ها (بیابان ها) می روید. درخت زقوم، مایه رنج و عذاب کفار و ستمگران است. درخت زقوم از قعر دوزخ می روید. درخت زقوم، درختی زشت منظر و

ص: 92

1- تفسیر نمونه، ج 19، ص 73.

آیا کسانی که در این دنیا به صغیر و کبیر رحم نمی کنند و حق همه کس

را می خورند و برایشان حلال و حرام تفاوتی ندارد، در حال خوردن زقوم آخرت نیستند؟!!

اگر عذاب های اخروی نتیجه و بلکه عین اعمال دنیوی ما است، که هست، آیا کسانی که از خوردن حق مردم ابایی ندارند و مال دیگران را مال خودشان تصور می کنند و همه جور مال حرام و لقمه ناپاکی را می خورند، در دادگاه عدل الهی نباید به خوردن «زقوم» اعمال خویش محکوم شوند؟!!

ص: 93

گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ

یکی از عذاب های دوزخیان این است که موی جلوی سر و (نیز) پاهایشان را گرفته و آن ها را با ذلت و خواری، به دوزخ می اندازند:

... فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ

... پس موی پیشانی آنها و پاهایشان را بگیرد و به دوزخ بیندازدشان. (1)

مفسر تفسیر نمونه در این خصوص نوشته است: مأموران عذاب آن ها را از زمین برداشته، با نهایت ذلت به دوزخ می افکنند و یا کنایه از نهایت ضعف و ناتوانی آن ها (دوزخیان) در چنگال مأموران عذاب الهی است، که این

ص: 94

گروه را با خواری تمام به دوزخ می برند و چه صحنه دردناک و وحشتناکی است آن صحنه؟(1)

علامه طباطبایی نوشته است: مجرمین با علامتی (که از سیاهی) در چهره هایشان نمودار می گردد، شناخته می شوند، در نتیجه موی جلو سر و پاهایشان را می گیرند و آن ها را در آتش می اندازند.(2)

علامه طباطبایی ذیل این آیه در المیزان نوشته است: مجرمین با علامتی که (از سیاهی) در چهره هایشان نمودار می شود، شناخته می شوند.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: گروهی صورت های تاریک و سیاه و

ص: 95

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 157.

2- المیزان، ج 19، ص 214.

زشت و عبوس دارند که نشانه کفر و گناه آن ها است، چنانکه در

سوره عبس آمده... چهره هایی که سیاهی مخصوصی آن را پوشانده (1)

در تفسیر راهنما آمده است: شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت. ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب است. (2)

گناهکاری، حق کشی، سیاه جلوه دادن دیگران، حسادت و رذایل اخلاقی، سیاه کاری است!

در آخرت، سیاه کاری های دنیوی سیاه کاران که پنهان بود، در چهره هایشان

ص:96

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 156.

2- راهنما، ج 18، ص 330.

نمایان می شود!

فلذا، گناهکاران در قیامت چهره هایی سیاه و تاریک دارند، مانند دل هایشان در این دنیا .

سیاهی، ظلمت، سخت دلی و تاریکی دل، در قیامت در چهره نمایان می شود؛ به همین جهت گناهکاران در قیامت از چهره های زشت و بدترکیب و عبوسشان، شناخته می شوند!

لباس اهل جهنم

... لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ: ... برای آن ها لباسی از آتش بریده اند. (1)

مفسر تفسیر نمونه درباره این آیه نوشته است: این جمله ممکن است اشاره به آن باشد که واقعا قطعاتی از آتش به صورت لباس برای آن ها بریده و دوخته

ص: 97

1- 19 / حج .

می شود! و یا کنایه از این باشد که آتش دوزخ از هرسو آن ها را مانند لباس احاطه می کند. (1)

مفسر تفسیر نور نوشته است:

لباس آتشین دوزخیان، سرد نمی شود و دائما از بالای سرشان مواد گداخته به آن تزریق می شود. (2)

در تفسیر راهنما آمده است: در دوزخ، جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند. وجود آتش های متنوع در دوزخ. جامه های آتشین در دوزخ، جامه هایی است بسیار آزاردهنده و سخت و سوزنده. (3)

ص: 98

1- تفسیر نمونه، ج 14، ص 55 .

2- نور، ج 8، ص 29.

3- راهنما، ج 11، ص 542 .

عده ای در این دنیا به وسیله لباس هایشان گناه کرده اند و دل مردم را سوزانده اند. این ها با لباس آتش برپا کرده اند!

کسانی که:

با لباس های تنگ و چسبان دیگران را به انحراف می کشانند

لباس های جلف و نازک پوشیده و شهوت انگیزی می کنند

با لباس های فاخر و گران قیمت تفاخر می فرورشدند

از راه حرام به تهیه لباس می پردازند

پوشش مناسب ندارند و با برهنگی به آلودگی ها در جامعه دامن می زنند

با لباس های شهرت، غوغا در دل جنس مخالف برپا می کنند و...

این ها در حقیقت در حال بریدن و پوشیدن لباس های آتشین اخروی

ص: 99

برای خویش هستند:

در قیامت به این ها گفته می شود: بپوشید! این ها باطن همان لباس های شهوت انگیز، حرام، شهرت، چسبان و نازک و... لباس های دنیوی شما است.

و چنانچه نخواهند بپوشند، به زور برایشان پوشانده می شود!

گرمزهای گداخته

و لَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ: و گرمز گران و عمودهای آهنی بر سر آن ها مهیا است. (1)

مفسر تفسیر نمونه درباره این آیه نوشته است: تازیانه ها یا گرمزهایی از

ص: 100

1- 21 / حج .

آهن سوزان برای (مجازات) آن‌ها آماده است. و هرگاه بخواهند از دوزخ و غم و اندوه‌های آن خارج شوند آن‌ها را به دوزخ برمی‌گردانند و به آن‌ها گفته می‌شود: بچشید عذاب سوزان را. (1) مفسر تفسیر نور آورده است:

و برای (مجازات) آن‌ها گرزهایی از آهن است (2)

در تفسیر راهنما آمده است: گرزهای آهنین، یکی پس از دیگری ابزار شکنجه اهل دوزخ است (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: اگر یک گرز از گرزهای آهنین (جهنم) بر زمین گذاشته شود، و همه مردم جمع شوند، نمی‌توانند آن را از زمین

ص: 101

1- تفسیر نمونه، ج 14، ص 56.

2- نور، ج 8، ص 29.

3- راهنما، ج 7، ص 544.

قلدرها، زورگوها، قمه کش ها، عربده کش ها، سفاکان میادین جنگی که با

موشک ها و گرزهای آتشین بر سر مظلومان کوبیده اند، شکار گرزهای دوزخی خواهند شد!

آن هایی که در میادین جنگی، بازداشت گاه های نظامی، زندان های دربسته، شکنجه گاه های مخوف، پستوی خانه ها و...

با انواع و اقسام: مشت، لگد، چوب، آهن، گرز و...

بر سر مظلومان و بی گناهان کوبیده اند، روز قیامت بر سرشان گرزهای آهنین و گداخته دوزخی کوبیده می شود!

ص: 102

آری: هیچ گناهی در هیچ گوشه ای از دید الهی و مأموران تیزبین و باریک بین اومخفی نمی ماند:

زدی ضربتی؟ ضربتی نوش کن!

دودهای فراگیر

إِنظَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

بروید زیر سایه دودهای متراکم آتش دوزخ که از سه طرف شما را احاطه کنند. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: شاخه ای از بالای سر، شاخه ای از طرف راست و شاخه ای از طرف چپ، و به این ترتیب از هر طرف این دود غلیظ و

ص: 103

1-30 / مرسلات، 43 / واقعه.

مرگبار آن ها را احاطه می کند و در کام خود فرو می برد(1)

علامه طباطبایی آورده است:

ظل سایه دودی است که از آتش جهنم بالا می رود... در مورد انشعاب آن به سه شعبه گفته اند: این اشاره است به عظمت دود جهنم، چون دود وقتی خیلی متراکم و عظیم بود، شاخه شاخه می شود.(2)

در تفسیر راهنما آمده است: زندگی در سایه ای از دود سیاه، فرجام (کار اصحاب شمال است) فضای دوزخ، آکنده از دود سیاه است. سایه در دوزخ، نه خنک است و نه گوارا.(3)

ص: 104

1- نمونه، ج 25، ص 417.

2- المیزان، ج 20، ص 404.

3- راهنما، ج 18، ص 401.

کسانی که در این دنیا در سایه: توهم، خیال های خام و سوءظن زندگی کرده اند، در آخرت باید در زیر سایه های خفقان آور، غلیظ، سیاه و داغ این گناهان زندگی کنند.

آسمان دل این افراد، در دنیا همیشه گرفته و پر از تردید و دودلی و شک و توهم و سوءظن و ... رذایل اخلاقی و گناهان مربوط به دل بود. اینک در قیامت، در سایه ابرهای پردود و غلیظ و خفه کننده اعمالشان طعم مرگ را خواهند چشید.

اگر نمی خواهیم در قیامت در سایه ابرهای متراکم سه شاخه، عذاب شویم، دل هایمان را از: کینه، حسد، عقده، سوءظن، و ... خالی کنیم.

... وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ: و در دوزخ یار و یآوری که کمک و دفع عذاب از آن ها کنند، نخواهند داشت. (1)

امام صادق علیه السلام درباره آیه 101 شعرا که به همین مفهوم است فرموده اند: این آیه درباره ما و شیعیانمان است. چون در قیامت ائمه و شیعیان مؤمن، دوستان صمیمی و بستگان خود را شفاعت می کنند. کفار پس از دیدن این صحنه آرزو می کنند: ای کاش پیرو ائمه اطهار بودند تا آن ها و دوستانشان مورد شفاعت قرار می گرفتند. (2)

ص: 106

1- 91 / آل عمران، 101 / شعرا.

2- تأویل الایات الظاهره، ص 386.

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: مجازات دردناک آن ها حتمی است و هیچ گونه یاور و حامی در برابر آن کیفر بزرگ برای آن ها وجود نخواهد داشت و شفاعت کندگان نیز شامل حالشان نمی شود. (1)

علامه طباطبایی نوشته است: آن ها از «ناصران» و یاری کندگان موجود در قیامت منتفع نمی شوند. (2)

در تفسیر راهنما آمده است: کافران، محروم از هر یار و یاور در قیامت

هستند. این مطلب می رساند که در قیامت یاوران و شفیعان هستند؛ ولی فقط کفار از شفاعت آن ها محرومند. (3)

ص: 107

1- تفسیر نمونه، ج 2، ص 501.

2- المیزان، ج 3، ص 561.

3- راهنما، ج 2، ص 535.

بازتاب جهنمی ثروت های حرام

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

روزی که (طلاهای ذخیره شده شان) در آتش دوزخ گداخته شوند و پیشانی و پشت و پهلوهای آن ها را با آن داغ کنند. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: انتخاب این سه موضع از بدن برای داغ کردن، یا برای آن است که گرما از این سه نقطه زودتر به درون بدن سرایت می کند. (2)

ص: 108

1- 35 / توبه .

2- تفسیرنمونه، ذیل آیه مذکور.

مفسر تفسیر نور نوشته است: برای این است که ثروتمندان با چهره به فقرا عبوس می کنند، با پهلوئی اعتنایی و با کمر، پشت به آن هامی کنند، یا این که مراد از صورت، جلو بدن است و مراد از کمر، عقب بدن و مقصود از پهلو، دو طرف بدن، یعنی کنایه از گداختن همه بدن(1)

ابوذر گفته است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار کعبه دوبار فرمودند: به خدای کعبه قسم! آن ها زیانکارترین (مردم) هستند.

پرسیدم: پدر و مادرم فدایت! منظورتان چه کسانی است؟

فرمود: زراندوزان.(2)

ص: 109

1- نور، ج 5، ص 56.

2- مجمع البیان.

در تفسیر راهنما آمده است: گنجینه های ثروت اندوزان را، جهت نقره داغ کردنشان، با آتش دوزخ خواهند گداخت، پیشانی، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلاها و نقره های گداخته، داغ خواهند کرد. شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته، از عذاب های دردناک جهنم است (1)

چهره پردازی جهنم!

تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَ هُمْ فِيهَا كَالْحِوْنِ

آتش جهنم (همچون شمشیر بر آن ها می خورد و) صورت هایشان را می سوزاند و در جهنم (با قیافه ها و صورت های) بسیار

ص: 110

1- راهنما، ج 7، ص 96.

زشت زندگی می کنند(1)

و وقتی پوست هایشان سوخت: كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ: هر وقت پوست های آن ها بسوزد و بیفتد، پوست دیگری به جایش می گذاریم.(2)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است: آتش هر لحظه و پیوسته صورت های دوزخیان را می سوزاند. کفار در دوزخ هم عذاب جسمی دارند و هم توبیخ و عذاب روحی.

تغییر صورت توسط آتش، مایه تحقیر گناهکاران می گردد.(3)

مفسر تفسیر نمونه هم آورده است:

ص: 111

1- 104 / مؤمنون، 66 / احزاب، 15 / معارج.

2- 56 / نساء .

3- نور، ج 8، ص 131.

شعله ها گرم و سوزان آتش، همچون شمشیر به صورت هایشان نواخته می شود... و آن ها از شدت ناراحتی و عذاب در دوزخ، چهره ای عبوس و درهم

کشیده دارند. بر اثر شعله های آتش پوست صورتشان درهم کشیده می شود بطوری که لب هایشان از هم باز می ماند. (1)

در تفسیر راهنما آمده است: صورت زیانکاران دوزخی، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ است. جمع شدن پوست ها، با رسیدن حرارت آتش دوزخ. بدمنظری دوزخیان، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آن ها آشکارماندن دندان هایشان. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: هنگامی که اهل جهنم را به سوی آن

ص: 112

1- تفسیر نمونه، قرطبی، فخر رازی، مجمع البیان، المیزان، ذیل آیه مورد بحث.

2- راهنما، ج 12، ص 154.

سوق دهند، آتش جهنم با سرعت با آن‌ها روپرو خواهد شد. پس آن‌ها را به گونه‌ای خواهد سوزاند که گوشتی بر استخوان باقی نخواهد گذاشت؛ مگر این که بر پاشنه پاهایشان می‌ریزد. (1)

تکبر در دنیا، تحقیر در آخرت

قَالَ اِحْسَنًا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ: به آن‌ها (دوزخیان) خطاب شود: ای سگ‌ها! در دوزخ بمانید و با من (خداوند متعال) حرف نزنید! (2)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: جمله «اِحْسَنًا» که به صورت فعل امر

است معمولاً برای دور کردن سگ به کار می‌رود، و هرگاه در مورد انسانی

ص: 113

1- الدر المنثور، ج 6، ص 118.

2- 108 / مؤمنون، 51 / اعراف .

گفته شود، به معنی (نهایت) پستی او و مستحق مجازات بودن است(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: با کسی که شراب می نوشد ننشینید که آن ها سگان دوزخند، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

قَالَ اخْسُوا فِيهَا... (2)

گفته شده است که دوزخیان پس از شنیدن «اخشؤ» به صورت قطعه گوشتی در می آیند که فقط نفس می کشند. (3)

در تفسیر راهنما آمده است: حقارت و ذلت شدید کفار در دوزخ و خداوند بیزار و خشمگین از سخن گفتن دوزخیان با اوست. (4)

ص: 114

1- تفسیر نمونه، ج 14، ص 338.

2- بحار الانوار، ج 76، ص 147.

3- درالمنثور.

4- راهنما، ج 12، ص 159.

آری: کسانی که در این دنیا بی دلیل و به خاطر کبر و نخوت و خود بزرگ بینی و سایر رذایل اخلاقی دیگران را با زبان رنج می دهند و تحقیر می کنند، به آن ها انواع و اقسام جمله ها و کلمات رکیک و بی ادبانه و گستاخانه می گویند و دل مؤمنان مظلوم را می سوزانند، در قیامت با شنیدن کلمه «إخْسَؤُ» تنبیه و مجازات می شوند!

مشاجره بی پایان جهنمیان با هم

... وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ: و در دوزخ با هم به مخاصمه درگیری و دعوا می پردازند. (1)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

در میان دوزخیان، جدال، جر و بحث و مخاصمه وجود دارد. در قیامت

ص: 115

1- 96 / شعرا، 61 / ص، 27 / ق .

عشق های نامقدس و غیرالهی به کینه تبدیل می شود. در قیامت

هرکس تقصیر را به گردن دیگری می اندازد. فضای دوزخ همیشه پراز ملامت و خصومت و لعنت است. (1)

آن ها (دوزخیان در دوزخ) به مخاصمه و نزاع و جدال باهم می پردازند. (2)

در تفسیر راهنما آمده است: مشاجره و دشمنی، گمراهان با یکدیگر در دوزخ حتمی و عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان وجود دارد. (3)

آری: همین طور که در این دنیا، گمراهان و گناهکاران به هم اعتماد نداشته، به هم بدبین بوده و در صدد ضربه زدن به هم هستند تا در جنگ تنازع بقاء، خودساخته پیروز شوند، در آخرت نیز این افراد باهم در نزاع و درگیری خواهند

ص: 116

1- نور، ج 8، ص 336.

2- تفسیر نمونه، ج 15، ص 270.

3- راهنما، ج 13، ص 118.

بود. در آن جا نیز تقصیر بر گردن یکدیگر می اندازند. و همدیگر را

متهم می کنند! فضای دوزخ پر از درگیری ها و جنگ اعصاب است.

این درگیری و نزاع، موجب عذاب روحی کفار و گناهکاران است؛ همانطور که درگیری های آن ها در دنیا، موجب رسیدن آزار به مؤمنان و مظلومان می شد!

سر به زیری و پشیمانی ابدی

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ...: و اگر تو حال بدکاران را ببینی که چگونه نزد پروردگارشان سر به زیر و پشیمان و ذلیلند... (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است:

اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده

می گویند:

ص: 117

... ما پشیمانیم... به راستی تعجب می کنی که آیا این افراد سر به زیر و نادام و پشیمان، همان مغروران سرکش و چموش هستند که در دنیا در برابر هیچ حقیقتی سر فرود نمی آوردند؟ اما اکنون که صحنه های قیامت را می بینند و به مقام شهود می رسند به کلی تغییر موضع می دهند. (1)

نوشابه های داغ و متعفن جهنم

... فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ و آنجا، آب داغ و تیره رنگ «حمیم» و «عساق» را باید بنوشند. (2)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است:

ص: 118

1- تفسیر نمونه، ج 17، ص 136.

2- 57 / ص، 16 / ابراهیم، 67 / صافات، 15 / محمد، 5 / غاشیه.

«راغب» در «مفردات» آن «عَسَّاق» را به قطراتی که از پوست تن دوزخیان (و جراحات بدن آن‌ها) بیرون می‌آید تفسیر کرده است.

به هر حال از پاره‌ای کلمات برمی‌آید که «عَسَّاق» بوی بسیار بد و زننده‌ای دارد که همگان را ناراحت می‌کند. (1)

علامه طباطبایی آورده است: کلمه «حَمِيم» به معنای حرارت بسیار زیاد است و کلمه «عَسَّاق» به طوری که در مجمع آمده به معنای چرکی است که

تعفن بسیار داشته باشد... خود طاغیان نمی‌خواهند از حمیم و عساق بخورند، ولی مجبورشان می‌کنند به خوردن. (2)

ص: 119

1- تفسیر نمونه، ج 19، ص 320.

2- المیزان، ج 17، ص 348.

در تفسیر نور آمده است: عذاب های دوزخ متنوع و گوناگون است. (1)

در تفسیر راهنما آمده است: آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ است. انواع نوشیدنی ها و غذاهای دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین، به طغیانگران در دوزخ خورنده می شود. (2)

همنشینی با شیاطین در جهنم

... قَالَ قَرِينُهُ ...: آنگاه همنشین او (شیطان) می گوید... (3)

علامه طباطبایی نوشته است: معنای جمله این است که: آن شیطانی که یک عمر با او بود و گمراهش می کرد... (4)

ص: 120

1- نور، ج 10، ص 121.

2- راهنما، ج 15، ص 613.

3- ق 27.

4- المیزان، ج 18، ص 556.

آیه الله مکارم شیرازی آورده است: کفار لجوج با شیطان مخاصمه و جر و بحث می کنند و همه گناهان خود را به گردن شیطان اغواگر می اندازند. ولی شیطان قرین او می گوید: من اورا به اجبار به این راه نیاوردم، من سلطه ای بر شما نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم... (1)

خداوند می فرماید: نزد من جدال نکنید! من قبلاً به شیطان گفته ام که: بطور مسلم دوزخ را از تو و پیروانت پر خواهم کرد. (2)

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند: آن قرین، شیطان است. (3)

امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: پس چگونه تحمل می توان کرد که در میان

ص: 121

1- تفسیر نمونه، ج 22، ص 272.

2- تفسیر نمونه، ج 22، ص 272.

3- بحار الانوار، ج 5، ص 323.

دو طبقه آتش، در کنار سنگ های گداخته، همنشین شیطان باشید؟(1)

چه سخت و دردناک است که انسان با باعث و بانی عذاب و فریب دهنده خویش در دوزخ، همنشین شود!

البته دوزخیان در این دنیا، همنشین و دوستان صمیمی شیطان هستند. اندیشه ها و اعمالشان را برفوق رضایت او تنظیم می کنند و او را در گوشه دل خویش، همان جایی که باید مخصوص حضرت حق باشد، جا داده اند. طبیعی است که در آخرت، این مونس مکار، در کنارشان باشد و طعم مصاحبت با او را کاملاً بچشند.

ص: 122

1- نهج البلاغه، خطبه 183.

حرکت در مدار بسته آتش

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ اِن: کفار در بين آتش و آب سوزان دوزخ می دوند. (1)

مفسر تفسیر المیزان در این باره نوشته است:

«حمیم آن» داغی است که داغی اش به نهایت رسیده باشد و معنایش این است که: آن جهنمی که مجرمین آن را دروغ می پنداشتند،

اینک بین این آتش و بین آبی به نهایت داغ می آیند و می روند. (2)

آیه الله مکارم شیرازی نوشته است:

ص: 123

1- 44 / رحمن .

2- المیزان، ج 19، ص 215.

آن‌ها از یک سو در میان شعله‌های سوزان جهنم می‌سوزند و تشنه می‌شوند و تمنای آب می‌کنند و از سوی دیگر آب جوشان به آنها می‌دهند (یا بر سرشان

می‌ریزند) و این مجازاتی است دردناک. از بعضی از آیات قرآن استفاده می‌شود که چشمه سوزان حمیم در کنار جهنم است که نخست دوزخیان را در آن می‌برند و سپس در آتش دوزخ می‌افکنند. [\(1\)](#)

مفسر تفسیر راهنما نیز نوشته است: حرکت مجرمان دوزخی، در مداری بسته میان جهنم و چشمه‌های سوزان آن است. دوزخیان دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابجایی در دوزخ هستند. [\(2\)](#)

ص: 124

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 158.

2- راهنما، ج 18، ص 333.

... نارا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ: آتشی که مردم کافر و سنگ خارا آتش افروز آندند. (1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

آتش دوزخ، مانند آتش های این جهان نیست، شعله های آن از درون وجود خود انسان ها (ی گناهکار) زیانه می کشد! و از درون سنگ ها... از درون همه سنگ ها... اگر نیروی ذخیره اتمی سنگ ها آزاد شود، چنان آتشی برپا می کند که انسان خیره می شود.

بعضی از مفسران «هجرة» را به بت هایی تفسیر کرده اند که از سنگ ساخته

ص: 125

می شد و مورد پرستش مشرکان بود(1)

مفسر تفسیر المیزان آورده است:

اگر انسان های معذب در آتش دوزخ را آتش گیرانه دوزخ خوانده، بدین جهت است که شعله گرفتن مردم در آتش دوزخ به دست خود آنان است... کلمه «هجارة» را بعضی تفسیر کرده اند به بت ها(2)

در تفسیر راهنما آمده است: دوزخیان و سنگ های دوزخ، سوخت آتش جهنم است(3)

ص: 126

1- تفسیر نمونه، ج 24، ص 286.

2- المیزان، ج 19، ص 673.

3- راهنما، ج 19، ص 177.

آتشی به بلندای قصر

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ. كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ

هریک از شراره های آتش به اندازه قصری است. (یا) گویی شبیه به شترهای زردموی است. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: تعبیر به «قصر» (کاخ) تعبیر پر معنایی است (زیرا) این قصرها و کاخهای ستمکاران هستند که منشاء شعله های سوزان و

آتش های شرربارند... این جرقه ها از نظر حجم به کاخ بزرگ و از نظر رنگ و کثرت و سرعت حرکت و پراکنده شدن به هرسو به گروهی از شتران زردرنگ تشبیه

ص: 127

شده که به هرسو روانند. (1)

در تفسیر المیزان آمده است: کلمه «شرر» به معنای زبانه هایی است که از آتش به بالا پرواز می کند و معنا قصر (هم که) معروف است و کلمه «جماله» به معنای شتر نر است. (2)

مفسر تفسیر راهنما آورده است: شراره های برخاسته از آتش دوزخ،

مانند شتران زردرنگ است. شراره های آتش دوزخ بسیار انبوه، به هم پیوسته و پرجنبش است. شراره افکنی دوزخ به بلندی کاخ ها است. (3)

ص: 128

1- نمونه، ج 15، ص 419.

2- المیزان، ج 20، ص 425.

3- راهنما، ج 19، ص 656.

آتشی که دل‌ها را می‌سوزاند!

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْفُؤَادِ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ: آتشی که دل‌ها را می‌سوزاند و آن‌ها را از هر طرف فرا می‌گیرد. در ستون‌های آتش کشیده و طولانی. (1)

مفسر تفسیر راهنما نوشته است: باطن و روح انسان در قیامت از آتش جهنم در عذاب است. سوختن انسان در جهنم از درون او آغاز می‌شود. راه خروج از جهنم بر دوزخیان بسته است. جهنمیان در عمودهایی بلند به بند کشیده می‌شوند. (2)

در تفسیر المیزان آمده است: مراد از اطلاع آتش بر قلوب این است که آتش

ص: 129

1- 7 تا 9 / همزه .

2- راهنما، ج 20، ص 737.

دوزخ باطن آدمی را می سوزاند، همان طور که ظاهرش را می سوزاند. احدی از آن ها بیرون از آتش نمی مانند و از داخل آن نجات نمی یابند... عمد ممدده نیز گل میخ هایی است که اهل عذاب را با آن میخکوب می کنند. (1)

مفسر تفسیر نمونه نوشته است: این آتش برخلاف همه آتش های دنیا... اول بر دل ها شراره می زند و درون را می سوزاند و سپس به داخل نفوذ می کند...

خداوند آن ها را در آتش در بسته دوزخ که راه نجاتی از آن نیست زندانی می کند!

عمد ممدده را تعبیر به میخ های عظیم آهنی کرده اند که درهای جهنم محکم با

ص: 130

آن ها بسته می شود به گونه ای که راه خروج مطلقاً وجود ندارد. (1)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: کفار و مشرکین در قیامت اهل توحید را که به خاطر گناهانشان وارد آتش شده اند، سرزنش می کنند. آنها می گویند:

امروز نمی بینم که توحید شما دردی از شما دوا کند! چون خدا بین ما و شما فرقی نگذاشته است. در این هنگام، خداوند برای اهل توحید غیرت به خرج می دهد و به فرشتگان دستور می دهد: شفاعت اهل توحید را بکنید!

آن ها، هرکس را که خداوند بخواهد، شفاعت می کنند. سپس به انبیاء دستور داده می شود: شفاعت کنید!

آن هانیز هرکس را که خدا بخواهد شفاعت می کنند.

ص: 131

1- تفسیر نمونه، ج 27، ص 317.

سپس به مؤمنین دستور می دهد: شفاعت کنید!

مؤمنین نیز هرکس را که خدا خواسته باشد از اهل توحید شفاعت می کنند.

سپس خداوند رحمان می فرماید: من از همه این ها مهربانترم! (ای اهل‌الی

توحید و خداپرستان گناهکار) به وسیله رحمت من از آتش خارج شوید. آنگاه همه (مؤمنان گناهکار) مانند مور و ملخ از آتش بیرون می آیند.

سپس «دیوار دوزخ» کشیده می شود و راه نجات را بر کفار و مشرکان می بندد و به خدا سوگند که خلود «جاودانگی کفار و مشرکین در دوزخ» از همین جا شروع می شود. (1)

ص: 132

1- مجمع البیان و المیزان، ج 20، ص 828 و 829.

آری: کسانی در این دنیا، با کارها و اعمال و سخنان خویش، دل دیگران را می سوزانند.

در قیامت گرفتار آتشی می شوند که دل هایشان را می سوزاند.

کشیدی مؤمنان در بند و زندان *** شکستی دست و پای رادمردان

به تخت آرزوها شاد بودی *** بچش زندان و درد و رنج و خسران(1)

ص: 133

1- مؤلف.

از بهشت بسیار گفته ایم و شنیده ایم. هرگاه خواسته ایم بهترین منظره یا پرآسایش و آرامش ترین جایی را توصیف کنیم، آن را به بهشت تشبیه کرده ایم و... .

اما، آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که بهشت، دارای چه شرایطی است؟ چه نعمت هایی در این سرزمین آرزوهای اولاد آدم قرار دارد؟ در کجا قرار گرفته و وسعت آن چقدر است، چه مراتب و درجاتی دارد؟ چگونه ساخته شده و اعمال و کارهای ما در ساخته شدن بهشت چه نقشی دارد، در بهشت چگونه زندگی خواهیم کرد، چه کسانی را می بینیم و روزگار ما در آنجا چگونه سپری خواهد شد؟ آیا کاری کرده ایم که شایسته ورود به باغ ها و بستانها و قصرهای

بهشتی شویم؟ ...

در این بخش از کتاب، سعی شده است که به زبان ساده و روان اما کاملاً مستند، به این سؤالات پاسخ داده شود.

پرواضح است که، آنچه در قرآن کریم در خصوص بهشت مطرح شده، عبارت از بیان نشانه هایی مطابق با درک و فهم انسان است، نه آنچه واقعا موجود است. زیرا:

ما فعلاً در محدوده زمان دنیوی قرار داشته و با موضوعات نسبی سر و کار داریم، خداوند متعال نیز در این حد از نعمت های فوق تصور بهشتی برای ما سخن گفته است. مثل اینکه شما بخواهید برای فرزند 3 یا 4 ساله خویش از لذت و انس ازدواج بگویید! در این صورت باید مفاهیم بزرگ و لذت های عمیق این کار را،

ص: 135

به زبانی ساده و در حد درک این کودک مطرح کنید مثلاً سخنی از دوستی دو نفر بگویید. درک آن طفل از دوستی چیزی است و حقیقت ازدواج و عالم تأهل و لذت های خاص آن چیز دیگر!

این مثال را از آن جهت آوردم که وقتی سخن از نعمت های بهشتی نظیر: باغ ها، نهرها، میوه ها، زنان، غلمان، حوریه ها و... می شود کسی نگوید: این ها که بطور نسبی در این جهان هم هست!

نه! من و شما این ها را می شناسیم و خداوند سبحان به دلیل شناخت ما، از این نشانه ها برای انتقال مفاهیم بزرگ استفاده کرده است ؛ نه اینکه واقعا لذت های بهشتی در این ها خلاصه شود و...

اکنون، پس از بررسی و تفحص در آیات قرآن کریم و احادیث

ص: 136

چهارده معصوم علیهم السلام مجموعه ای مستند درباره بهشت فراهم شده است.

خداوند سبحان را سپاس می گویم که توفیق قلم زدن در راه ارزشهایش را به من عطا فرموده است و ضمن پوشش از درگاه ربوبی او به خاطر قصورهای این قلم، از او طلب قبولی این وجیزه و از بندگان خوب او نیز استدعای دعا دارم. والحمد لله رب العالمین.

عباسعلی کامرانیان

ص: 137

اگر به چشم دل خود، توصیفی را که از بهشت برایت می شود ببینی، از آنچه در دنیا است، از خواهش ها و لذت ها و مناظر آراسته و زیبایش، دل می کنی و اندیشه ات حیران می ماند!

چگونه (می توانی) در آواز برگ های درختانش بیندیشی، درختانی که در کناره های رودهایش روییده اند و ریشه در تپه های مشک فرو برده اند و خوشه های مروارید تر از شاخه های نازک و درشتشان آویزان است.

میوه های مختلف، در غلاف گل ها جا گرفته اند و بدون هیچ زحمتی می توان آن ها را چید و آن طوری که آرزوی چیننده است، در دستش قرار می گیرند. برای بهشتیان، در اطراف کاخهایشان عسل های پالوده و شراب های زلال در

گردش می آورند و... .

اگر برای رسیدن به آن منظره های زیبا دل مشغول داری، به یقین به شوق وصال آن، جان از تنت به پرواز درآید و برای رفتن و رسیدن (به بهشت) آن قدر شتاب کنی که از همین مجلس من رخت به کنار مرده ها کشی!

خداوند ما و شما را با رحمت و مهربانی خویش از کسانی قرار دهد که با دل (و تمام وجود) می کوشند تا به منازل نیکان (در بهشت جاودانه) برسند. (1)

امام علی علیه السلام : هرگز چیز (زیبا و ارجمندی) مانند بهشت ندیدم که خواستارانش در خواب غفلت باشند. (2)

ص: 139

1- نهج البلاغه، خطبه 164.

2- نهج البلاغه، خطبه 28.

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم

- لذت های ناب ناب

- نهرهای: آب زلال، شیر شیرین، عسل مصفا و شراب طهور

- چشمه های: کوثر، تسنیم، سلسبیل، کافوریه، زنجبیله و...

- هدیه های دائم و ماندگار

- بخشش ها و برکات فوق تصور

- غذاهای آماده و طیب

- نزولِ عِنْدَ مَلِیْکِ مُقْتَدِر

- فردوس برین

- غرفه های والا و بالا

ص: 140

- نظر به معشوقه خاص و عام و نظر معشوقه به انسان!

- باغ های سرسبز و شاداب

- میوه های در دسترس و خوشگوار

- همسران زیبا و عفیف

- احساس رضایت کامل از زندگی

- همنشینی با پیامبران و ائمه اطهار و...

- آسایش و آرامش جاودانه

- آمرزش و مغفرت

- زدوده شدن همه زنگارها از قلوب

- کاخ ها و قصرهای سر به فلک کشیده

ص: 141

- گفتگو با خداوند متعال

- همنشینی با فرشتگان

- تماشای رحمت واسعه الهی

- صورت های نورانی، سفید و درخشان

- سایه های دائمی و دل انگیز

- تخت های زرین

- محیطی کاملاً دوستانه

- دوری از رنج و سختی

- جنّات عدن

- نغمه ها و آواهای موزون و نشاط آور

ص: 142

- رهایی ابدی از غم و ترس

- دستبند های طلا و مروارید

- لباس های حریر

- همه چیز آماده و در جای خود

- درجات عالی

- منازل کاملاً راحت

- شادی و شرف فوق العاده

- امنیت کامل و دائم

- پاداش های عظیم

- روزی مخصوص!

ص: 143

- ملاقات با نگاهبان بهشت

- نوشیدنی های گوارا و فرحبخش

- جام های طلا و نقره

- عمر جاوید

- رهایی از دوزخ

- سلامتی کامل و منحصر به فرد

- دیدار والدین و فرزندان!

- گوشت های کباب شده لذیذ و فراوان

- خدمتکاران آماده خدمت و مرواریدگون

- فرش های عالی

ص: 144

- درختان میوه با میوه های در دسترس

- برخوردارهای آکنده از صفا و محبت

- تپه ماهورهای مشک فام

- روتختی های بهشتی!

- آبشارهای آسمانی!

- انوار قدسی

- شراب خاص سر به مهر (رحیق مختوم)

- فواره تسنیم

- اعتدال هوا

- شراب زنجبیل

ص: 145

- آه، چه باید گفت و چگونه می توان شنید؟!!

- وعده ما، سرزمین آرزوهای آدمیان

انشاء الله

امام علی علیه السلام : هر نعمتی بدون بهشت ناچیز است. (1)

ص: 146

1- نهج البلاغه، حکمت 387.

اهمیت توجه به بهشت

بهشت سرزمین موعود انسان است. همه خواسته ها، آرزوها و امیال و اهداف ما در این جایگاه رویارویی تحقق می یابد. بر این اساس، کاملاً عاقلانه، منطقی و مطابق با آینده نگری و دوراندیشی است که همه اندیشه ها، گفتارها و اعمال خویش را به سمت و سوی قراردهیم که مارا به این منزلگاه منحصر به فرد برساند.

بهشت، هدف نهایی و عالی

برخی اهداف، خود وسیله برای هدف برترند؛ به تعبیر دیگر اهداف دو گونه اند:

1- اهداف متوسط و مقدماتی

2- اهداف اصلی و غایی

انسان وقتی به اهداف مقدماتی می رسد، هنوز می پرسد هدف چیست؟! اما آن

گاه که به هدف نهایی و غایی دست می یازد دیگر پرستی ندارد. درست مانند

محصلی که هدف از درس خواندن را رسیدن به دانشگاه و هدف از دانشگاه رفتن را دکتر یا مهندس شدن و هدف از آن را خدمت به مردم و پولدار شدن و زندگی مرفه و ایده آل داشتن می داند. وقتی از او پرسیده شود هدف از زندگی ایده آل برای تو چیست؟

پاسخ می دهد هیچ، زیرا زندگی ایده آل هدف اصلی اوست.

رسیدن به بهشت نیز هدف اصلی هر انسان است و معنا ندارد با رسیدن به هدف نهایی بپرسیم هدف از آن چیست و بعد از آن به کجا می روی؟ زیرا بهشت، مکان رسیدن به زندگانی جاودانه است؛ انسان هرچه در این دنیا کاشت در آنجا درو می کند و از آن بهره می برد؛ مقصد نهایی است.

ملاک انتخاب بدی و خوبی در این دنیا است، لذا وقتی به آخرت رسیدیم، دیگر پرسیده

ص: 148

نمی شود هدف از این مقصد چیست؟ (1)

بنابراین، چنانچه کسی یا کسانی بدون توجه به این نعمت بزرگ در اثر جهل و غفلت و گناه و آلودگی از بهشت صرف نظر کرده و خود را در دوزخ گرفتار سازند، چقدر باعث افسوس و ناراحتی است؟!

امام علی علیه السلام با آه و افسوس از مردمی یاد می کند که از توجه به بهشت: غافل شده اند:

خدایا!... خانه آخرت را آفریدی و سفره رنگارنگ نعمت ها را در آن گستردی.

در آن انواع نوشیدنی ها، خوردنی ها، همسران، مهمانداران، قصرها، نهرهای روان، میوه ها و کشتزارهای قراردادی. سپس پیامبری را فرستادی تا انسان ها را به آن خانه و نعمت ها دعوت کند.

ص: 149

1- کشف المراد، صفحات 411 تا 427.

افسوس که مردم نه آن دعوت کننده را اجابت کردند و نه به آنچه تو ترغیبشان کرد رغبت نشان دادند و نه به آنچه تو تشویقشان کردی مشتاق شدند. (بلکه جاهلانه، غافلانه و گناه آلوده) بر لاشه مردار (دنیایی) روی آوردند که با خوردنش رسوا شدند... (1)

نام های بهشت

در قرآن کریم نام های متعدد بهشت ذکر شده است این اسامی عبارتند از:

1- دارُ الْأَخِرَةِ ؛ به معنای خانه آخرت (2)

2- دارُ السَّلَام ؛ به معنای خانه سلامتی (3)

ص: 150

1- نهج البلاغه، خطبه 109 .

2- نهج البلاغه، خطبه 109

3- 94/بقره، 109/یوسف و... .

3- دَارُ الْمُتَّقِينَ ؛ به معنای خانه پرهیزکاران (1)

4- دَارُ الْقَرَارِ ؛ به معنای خانه ابدی (2)

5- دَارُ الْمُقَامَةِ ؛ به معنای خانه اقامت (3)

6- جَنَّاتٍ ؛ به معنای باغ پردرخت که با سایه خود زمین را می پوشانند (4)

7- جَنَّاتِ عَدْنٍ ؛ به معنای بهشتی که خداوند آدم را در آن قرار داد (5)

ص: 151

1- 127 / انعام، 25 / یونس .

2- 39 / غافر .

3- 35 / فاطر .

4- 82 و 111 و 214 / بقره .

5- 72 / توبه، 23 / رعد و

8- جَنَّاتُ الْمَأْوَى ؛ (1)

9- جَنَّةُ الْخُلْدِ ؛ به معنای بهشت جاویدان (2)

10- جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ ؛ به معنای باغهایی که تمام محاسن و مزایای

یک باغ کامل را دارد (3)

11- جَنَّاتُ النَّعِيمِ ؛ به معنای بهشت های پر نعمت (4)

12- جَنَّةٌ عَالِيَةٌ ؛ (5)

ص: 152

1- 19 / سجده .

2- 15 / فرقان .

3- 107 / كهف .

4- 65 / مائده، 9 / يونس .

5- 22 / حاقه، 10 / غاشيه.

13- رَوْضَاتُ الْجَنَانِ ؛

14- عَلَيُّونَ ؛ به معنای محل نوشته ابرار و کتابی است نوشته شده

15- الْحُسْنَى ؛

16- طُوبَى ؛

17- فَضْلٌ ؛ (1)

وسعت بهشت

در قرآن کریم آمده است:

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ وَشَتَابَ كُنَيْدَ بَرَى رَسِيدِن بَه آمَرزَش پَروردگارتان و
بهشتی

ص: 153

1- دانستی های قرآن .

که وسعت آن، آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است. (1) مراد از «عَرْضُ» در آیه شریف، پهنا و گستردگی است. در زبان عربی، هنگامی که

می خواهند بگویند فلان شیء از وسعت برخوردار است. واژه «عَرْضُ» را به کار می برند.

عبارت «جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» کنایه از این است که بهشت از نظر گستره، به اندازه ای وسیع است که به نهایت وسعت رسیده است و یا به قدری است که قوه واهمه بشری از درک گستره آن ناتوان است هرچند معاد جسمانی است و بهشتیان و جهنمیان با وجود جسمانی، پاداش و کیفر داده می شوند، ولی بهشت و جهنم ویژگی های این جهان مادی را ندارند، زیرا با

ص: 154

برچیده شدن این جهان مادی و تمام کرات آسمانی و ویران شدن آنها، قیامت آغاز می شود «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ
بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان ها به آسمان های دیگر

مبدل می شود و آنها در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند؛ (1) «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ. وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»، هنگامی که خورشید
در هم پیچیده شود و هنگامی که ستارگان بی فروغ شوند؛ (2) «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ»، هنگامی که آسمان از هم
شکافته شود، هنگامی که ستارگان از هم پراکنده شوند و فرو می ریزند. (3)

ص: 155

1-48 / ابراهیم .

2-1 و 2 / تکویر .

3-1 و 2 / انفطار .

بنابراین، بهشت و جهنم در عالم دیگری فوق این جهان مادی است و ویژگی های این جهان مادی را ندارد. آن عالم از نظر گستره به اندازه ای است که وسعت

بهشت به مقدار آسمان ها و زمین است و جهنمی از وسعتی برخوردار است که همه گناهکاران در آن جای می گیرند. (1)

در روایت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که اگر وسعت بهشت، آسمان ها و زمین است، پس دوزخ کجاست؟ فرمودند: چون شب آید، روز کجاست؟ (2)

ص: 156

1- ر.ک المیزان، ج 4، ص 20؛ بحار الانوار، ج 8، ص 83 و ج 66، ص 57؛ سید شریف رضی، حقایق التأویل فی المتشابه التنزیل، ص 241.

2- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 463؛ فضل بن شاذان قمی، الفضائل، ص 150.

ب) منظور از «نزدیک کردن» (أزْلَفَتْ) یعنی در پیش رویشان باشد و داخل

شدنشان در آن زحمتی نداشته باشد و اینکه بهشت را به آنها نزدیک می کنند، نه آنها را به بهشت، درک آن در شرایط این دنیا قابل تصور نیست، اما از آنجا که اصول حاکم بر قیامت و آخرت، اصولی است که با شرایط این جهان بسیار تفاوت دارد، بسی جای شگفتی نیست. [\(1\)](#)

همچنین درباره وسعت بهشت در تفسیر مجمع البیان آمده است: پایین ترین فرد بهشتی، وسعت زمینش به اندازه ای است که وقتی نگاه می کند فاصله هزار سال راه را می بیند. [\(2\)](#)

ص: 157

1- المیزان، ج 4، صفحات 32 و 43.

2- مجمع البیان، ج 9، ص 10.

در لآلی الاخبار آمده است که: جبرئیل به حضرت حق عرضه داشت: اگر اجازه فرمایید من وسعت بهشت را بینم خدا به او اجازه داد و جبرئیل سی هزار سال پرواز کرد و به جایی نرسید و خسته شد. پس از خدا قوه و نیروی تقاضا کرد خدای متعال نیروی او را دو برابر قرار داد و سی هزار سال دیگر پرواز کرد و خسته شد و باز از خدا تقاضای نیرو کرد و خداوند در خواست او را اجابت کرد و او سی هزار مرتبه چنین کرد در این اثناء حوریه ای سر از غرفه خود بیرون کرد و گفت: ای جبرئیل! بدون جهت خود را به زحمت نینداز زیرا در طول این مدت پرواز خود هنوز از ملک یک مؤمن که خدا برای او خلق کرده خارج نشده ای. (1)

برای درک وسعت، به عنوان مثال امام علیه السلام فرموده اند:

ص: 158

1- اسرار معراج، ص 251.

بوی عطر نعمت های عادی بهشت از فاصله ای به طول هزار سال مسافت دنیا استشمام می شود و منزل کوچکترین افراد بهشتی به قدری وسیع است که اگر تمام جن و انس در آن وارد شوند می توانند همه آنها را در خود جای دهد و از جهت غذا و نوشیدنی قادر است از تمام آنان پذیرایی نماید، بدون آنکه دچار نقص و کمبود گردد. (1)

درجات بهشت

بهشت دارای مراتب و درجاتی است. لذت های مادی و معنوی بهشت نیز

متفاوت و، دو مراتب است، زیرا تفاوت مقام های اولیاء الله ایجاب می کند که درجه های آنها در بهشت متفاوت باشد؛ بهشت «مقربین» با «اصحاب الیمین»

ص: 159

1- تفسیر قمی، ج 2، ص 82.

متفاوت است؛ بهشت کسانی که در قله های ایمان و معرفت و اعمال صالح قرار دارند با کسانی که در مراتب پایین ترند، فرق دارد. برخی از مراتب بهشت و قسمت زیادی از نعمت ها و لذت های آن اعم از مادی و معنوی برای ما در دنیا قابل درک نیست، تا قرآن آنها را برای ما بیان کند، از طرفی اکثر مخاطبان، عامه مردم هستند که با امور محسوس و ملموس مأنوس ترند.

قرآن کریم علاوه بر این که نعمتهای مادی و مقام های پایین بهشت را بیان کرده، به برخی از نعمت ها و مقام های عالی بهشت نیز اشاره کرده است، اما از آنجا که این مواهب و نعمت ها و مقام ها در وصف نمی گنجد و دیدنی و لمس

کردنی است، نه گفتنی و شنیدنی، لذا در آیات قرآنی غالباً اشاره های سربسته ای به آن شده است، جز در مواردی که قابل شرح و بیان بوده که در آنجا قرآن به

شرح و بیان آنها پرداخته است.

قرآن مجید در مورد بهشت و مقام های آن فقط: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» فرموده، بلکه تعبیرهای متفاوتی دارد که هر کدام می تواند اشاره به مرتبه و درجه ای از بهشت باشد، که هر کس به اندازه شایستگی و لیاقت و عمل خود از آن بهره مند خواهد شد. (1)

درباره طبقات بهشت اگرچه در قرآن و احادیث اسلامی تصریحی نشده

است، ولی از همین منابع به دست می آید که بهشت مراتب مختلفی دارد: مانند: آیات 95 و 96 سوره نساء «... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

ص: 161

1- پرسمان قرآنی معاد، ص 217 .

أَجْرًا عَظِيمًا. دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» ؛ خدا مجاهدان به مال و جان را بر خانه نشینان برتری داده و همه (اهل ایمان) را وعده نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر خانه نشینان پاداشی بزرگ مزیت و برتری بخشیده است، درجات (مهمی) از ناحیه خداوند و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد) ؛ و (اگر لغزش هایی داشته اند) خداوند آمرزنده و مهربان است. («... فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَاتِ امْنُونَ»⁽¹⁾) ؛ پس برای

آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند آنان در غرفه های (بهشتی) در نهایت امنیت خواهند بود.⁽²⁾

ص: 162

1- 37 / سبأ .

2- بحار الانوار، ج 92، ص 188 .

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

به درستی که درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است؛ پس به قاری قرآن گفته می شود: بخوان و بالا برو». (1)

حضرت رضا علیه السلام درباره درجات بهشت فرموده اند:

فاصله درجات با یکدیگر به قدر فاصله آسمان و زمین است. (2)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

در بهشت صد درجه است و مابین هر درجه با درجه دیگر به قدر فاصله آسمان و زمین است و فردوس عالی ترین مراتب و درجات بهشت است. (3)

ص: 163

1- تفسیر برهان، ج 1، ص 325 .

2- جامع الاصول، ج 11، ص 138 .

3- مجمع البیان، ذیل آیه 63 سوره الرحمن .

امام صادق علیه السلام درباره درجات بهشت فرموده اند:

نگو بهشت یکی است، زیرا خداوند می فرماید: غیر از آن دو بهشت است، دو بهشت دیگر است و نگو درجه واحدی دارد، زیرا خداوند می فرماید: بهشت دارای درجاتی است که بعضی بالاتر از بعضی دیگر است و این تفاوت، به

خاطر (تفاوت) اعمال (بهشتیان) است. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده اند: دو بهشت از طلا برای مقربان است و دو بهشت از نقره برای اصحاب یمین است. (2)

امام علی علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

ص: 164

1- درّ المنثور، ج 6، ص 146 .

2- نهج البلاغه، خطبه 85 .

در بهشت، درجاتی از یکدیگر برتر است و جایگاه های و گوناگون و متفاوتی وجود دارد...[\(1\)](#) حدیثی نیز از امام حسن عسگری علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که گواه درجات بهشت است:

... خدا در بهشت هزار درجه به او کرامت فرماید که فاصله هر درجه صد سال راه باشد به اندازه ای که اسب تندرو می دود. این درجات (طبقات) از طلا، نقره، مروارید، زبرجد، زمرد، مشک، عنبر، کافور و ... است [\(2\)](#)

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

... درجه من در بهشت دارای هزار نردبان است و فاصله بین هریک از این

ص: 165

1- حیات القلوب، ج 3، ص 139 .

2- مفاتیح القلوب، ص 674 .

نردبان ها به اندازه دویدن یک ماه اسبان تیز تک است... (1) و نیز فرموده اند: بهشت صد درجه دارد و اگر همه مردم در یکی از آن درجات گرد آیند، در آنجا می گیرند.

البته به نظر می رسد منظور حضرت کثرت درجات بهشت است زیرا، درجات ایمان نامحدود است، پس درجات بهشت نیز نامحدود خواهد بود.

درهای بهشت

براساس روایات اسلامی، بهشت هشت در دارد. (2)

امام باقر علیه السلام فرموده اند: بدانید که بهشت هشت در دارد که عرض هر دری از آنها به اندازه چهل سال راه است. (3)

ص: 166

1- جامعُ الاصول، ج 11، ص 138.

2- پیام قرآن، ج 6، ص 310 یا کنز العمال ج 14، ص 451.

3- حصال ابواب الثمانیه .

همچنین امام علی علیه السلام درباره درهای بهشت فرموده اند:

بهشت هشت در دارد و هر دری مخصوص گروهی است:

یک در برای انبیاء و صدیقان است.

یک در برای شهدا و صالحان است. (جهاد دری از درهای بهشت است...).

پنج در برای شیعیان من می باشد.

و یک در هم برای مسلمانانی که کینه مرا ندارند. (1)

چگونگی حضور انسان در بهشت

از سؤالاتی که درباره حضور انسان های مؤمن و نیکوکار در بهشت و طرح است این است که: روح انسان به بهشت می رود یا روح و جسم او؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت:

ص: 167

1- حضال و نور، ج 10، ص 204 .

در قیامت، روح انسان ها، به بدنهایشان ملحق می شود و انسان ها همینطور که در این دنیا با روح و جسم (هردو) زندگی می کنند، در قیامت محشور می شوند.

پس از حساب و کتاب قیامت، مؤمنان وارد بهشت شده و کفار به دوزخ انداخته می شوند.

مفسر تفسیر نور درباره معاد جسمانی نوشته است:

معاد جسمانی است، تکیه کردن بر تخت، خوردن میوه، نوشیدن شراب طهور و داشتن همسر، همه و همه نشانگر آن است که معاد انسان ها، جسمانی است. (1)

از این آیات متعدد قرآن کریم، بخوبی استفاده می شود که معاد و حضور انسان ها در بهشت یا دوزخ، جسمانی و روحانی بوده و در

ص: 168

1- نور، ج 10، ص 119 .

آخرت جسم و روح انسان راحت و آسوده یا گرفتار و معذب است.

عمر بهشت و بهشتیان

ممکن است این سؤال در ذهن انسان مطرح شود که آیا بهشت روزی از بین می رود و به تعبیر دیگر، پایان پذیر است یا برای همیشه جاودان خواهد بود؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: براساس بیش از هشتاد آیه، زندگی انسان در بهشت، زندگی جاوید و همیشگی و فناپذیر است. (1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

قرآن، مسأله جاودانه بودن نعمت های بهشت را با تعبیرات مختلف بیان کرده

ص: 169

1- آیات: 34 / ق، 257 / بقره، 85 / مائده، 22 / توبه و

است: گاه می گوید: خَالِدِينَ فِيهَا «جاودانه در باغ های بهشت می مانند».(1) و گاه می گوید عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ این اعطایی است قطع نشدنی.(2)

امام علی علیه السلام در این باره فرموده اند:

نعمت های بهشت پایان ندارد و ساکنان آن هرگز از آنجا خارج نشوند... (3)

مرحوم فلسفی درباره این موضوع نوشته است:

نظام تکوین و سنت آفرینش در عالم آخرت براساس تزاحم و تضاد نیست، آفریده های آن جهان با هم در جنگ و معارضه نیستند و موجبات نابودی و هلاکت یکدیگر را فراهم نمی آورند. از این رو آخرت دار خلود و

ص: 170

1- این تعبیر در آیات زیادی آمده است .

2- 108 / هود .

3- نهج البلاغه، خطبه 85 .

عالم جاودانی است و موجوداتش همواره پایدار و ابدی هستند، در آنجا مرگ راه ندارد و مخلوقاتش در معرض فنا و زوال قرار نمی گیرند.

قرآن شریف درباره حیات جاودان بهشتیان فرموده است:

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ بِهَيْثِيَانِ طَعْمِ مَرِغٍ رَا نَمِي چشند و پس از مرگی که در پایان عمر دنیا دیده اند مرگی نخواهد داشت.

نه تنها مرگ در عالم آخرت نیست، بلکه پاره هایی از دگرگونی ها و تحولات ناشی از تقابل و تضاد که در دنیا مشهود است در آخرت مشاهده نمی شود. (1)

آیا هم اکنون بهشت آفریده شده است؟ اگر موجود است در کجاست؟

در پاسخ به این سؤالات اولاً باید گفت که: خداوند متعال دو نوع بهشت را مطرح فرموده است:

ص: 171

1- گفتار فلسفی، ص 288 .

از بهشت برزخی در آیات: 26 و 27 سوره یاسین، 169 سوره آل عمران، 46 سوره غافر و 25 سوره نوح نام برده است.

از آیات قرآنی و روایات اسلامی استفاده می شود این نوع بهشت هم اکنون

موجود است بسیاری از مفسران در ذیل آیاتی که برای بهشت کلمه «أُعِدَّتْ» (مهیا شده) به کار رفته، گفته اند، از این کلمه استفاده می شود که بهشت هم اکنون موجود است؛ مانند این آیات «وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» ؛ و بهشتی که پهنایش (به قدر) آسمان ها و زمین است (و) برای پرهیزکاران آماده شده است.

«هَرَوِيٌّ» به امام رضا عليه السلام عرض می کند: یا بن رسول الله آیا بهشت و جهنم هم اکنون آفریده شده اند؟ امام فرمود: هنگامی که رسول خدا به آسمان عروج کرد وارد بهشت شد و جهنم را دید. [\(1\)](#)

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

بر در بهشت دو هزار سال قبل از اینکه خداوند آسمان و زمین را بیافریند نوشته شده لا إله إلا الله مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ عَلَيَّ أَخُو رَسُوْلِ اللهِ. [\(2\)](#)

اما، اگرچه بهشت و جهنم هم اکنون موجود است، ولی اعمال انسان ها در شکل دهی به برخی از خصوصیات و ویژگی های آنها نقش دارد. در روایتی آمده

ص: 173

1- بحار الانوار، ج 8، ص 119 .

2- همان، ص 131 .

است هر بار که مؤمن ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» می گوید، یک درخت در بهشت به برایش کاشته می شود. [\(1\)](#) بنابراین آنچه گفته شد و طبق آیات قرآن، بهشت و

جهنم از هم اکنون آفریده شده است [\(2\)](#) و هیچ کس در وجود آنها شک ندارد؛ نعمت هایی چون فَاكِهَةٌ، حورٌ عین، لباس های زینتی، ظروف و جام ها و... یقیناً وجود دارد؛ در غیر اینصورت خداوند متعال در بسیاری از آیات به آنها اشاره نمی کرد. [\(3\)](#)

ص: 174

1- همان، ص 149 .

2- 133 / آل عمران؛ 21 / حدید؛ 24 / بقره؛ 13 تا 18 / انفطار .

3- معاد در قرآن، ج 6، صفحات 323 تا 344 .

در مورد مکان بهشت و جهنم در قیامت اختلاف نظر است:

1- در آسمان ها است، چون قرآن خبر از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله به آسمان ها داده است و می فرماید: «عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (1) بهشت جاویدان نزد سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى است، همان نقطه ای که برترین مکان آسمان است، در آیه دیگری می فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» (2)؛ روزی شما و آنچه به شما وعده داده می شود در آسمان است.

2- بهشت و جهنم مادی نیست تا نیازی به مکان داشته باشد، لذا با برپایی

ص: 175

1- 15 / نجم .

2- 22 / ذاریات .

قیامت، طومار زمین و کرات آسمان درهم پیچیده می شود، ولی بهشت و جهنم موجود بوده و به حال خود باقی است.

3- بهشت در درون و باطن این جهان است. (1)

اگر کسی سؤال کند بهشتی که هم اکنون موجود است و حضرت رضا علیه السلام از وجود آن خبر داده و رسول گرامی صلی الله علیه و آله در شب معراج به داخل آن رفته کجاست؟ شاید بتوان گفت همان است که قرآن مجید آن را جَنَّةُ الْمَأْوَى خوانده و در مجاورت سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى است.

«وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزَّلَةً أُخْرَى. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى. عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (2)

ص: 176

1- پیام قرآن، ج 6، صفحات 323 تا 344 .

2- 13 تا 15 / نجم .

پیامبر گرامی جبرئیل را بار دوم با شکل اصلی اش مشاهده نمود و این دیدار در سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى روی داد و بهشتی که مأوای متقیان است در جوار سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى قرار دارد.

سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى کجاست؟ ابن عباس که تفسیر قرآن شریف را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فراگرفته و روایات بسیاری از آن حضرت نقل نموده است درباره سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى چنین گفته است: سِدْرَه نقطه نهایی تکامل علمی کیهان شناسان است و پیشروی علمی دانشمندان در آنجا پایان می یابد و از ماورای آن کسی جز ذات اقدس الهی آگاهی ندارد. (1)

همچنین در تاریخ آمده است که: دو تن از یهودیان بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد

ص: 177

1- گفتار فلسفی، ص 259 .

شدند و سؤالاتی مطرح ساختند (من جمله) گفتند: بهشت کجاست؟ جهنم کجاست؟ حضرت فرمود:

«اما بهشت، بهشت در آسمان است و اما آتش (جهنم)، جهنم در زمین. عرض کردند: مقصود از هفت (جهنم) چیست؟ فرمود: مقصود هفت باب جهنم است که طبقه طبقه روی هم است. عرض کردند: مقصود از هشت (بهشت) چیست؟ فرمودند: هشت در بهشت است». (1)

علی بن ابراهیم قمی در اثبات اینکه بهشت در آسمان است به آیه ذیل استناد می کند: «لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» درهای آسمان برای آنها باز نشده و داخل بهشت نمی گردند. (2)

ص: 178

1- بحار الانوار، ج 8، ص 128 .

2- 40 / اعراف .

و در مورد زمینی بودن جهنم نیز به این آیه استناد می کند:

«وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (1) آنگاه که دریاها شعله ور می شوند.

بهشت و دوزخ با توست در پوست *** چرا بیرون ز خود می جویی ای دوست (2)

چگونگی ساخته شدن بهشت

خداوند سبحان برای انسان های مؤمن و پاک، بهشت را در نظر گرفته است اما، ساختن و تکمیل آن را منوط به نحوه عمل خود انسان ها کرده است.

به عبارت دیگر، خداوند متعال چگونگی کیفیت بهشت و درجه هر مؤمنی را

ص: 179

1-6 / تکویر .

2- پوریای ولی دهخدا، ج 1، ص 480 .

منوط به نحوه عمل و تلاش او کرده است.

... وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ...

... و هرکس نیکوکار شود آن هم برای خویش (در بهشت) آسایشگاهی خوش و خرم فراهم خواهد ساخت. (1)

به این ترتیب، هر انسانی به هر اندازه ای که در جهت افزایش کیفیت و کمیت کارهای نیکش تلاش کند، به همان میزان بهشت ابدی اش وسیع تر و کامل تر و درجه اش عالی تر و والاتر است.

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

«مهّاد» به مکان وسیع تر، یعنی هر مکان مهیا و آماده ای (که نهایت آرامش و

ص: 180

1- 44 / روم .

آسایش در آن است) گفته شده است، انتخاب این تعبیر برای بهشتیان و مؤمنان صالح نیز از همین نظر است.

خلاصه گمان نکنید که... اعمال زیبای شما برای خدا اثری دارد، این

شما هستید که از آن شاد و خشنود (و بهره مند) می شوید. (1)

البته ذکر این نکته کاملاً ضروری است که: به یقین نعمت های بهشتی چیزی نیست که فقط بخاطر اعمال انسان به او تعلق گیرد بلکه فضل و رحمت و لطف بی انتهای الهی موجب چنین نعمت هایی بر بهشتیان است. منظور ما این است که این نعمت ها با نیت و تلاش انسان ها نسبت مستقیم دارد اما از جهت ارزش بسیار بالاتر و والاتر از کارهای ما است.

ص: 181

1- تفسیر نمونه، ج 16، ص 455.

طبق احادیث، هر مؤمن و کافری در بهشت و دوزخ مکانی دارد، ولی مؤمن، جایگاه بهشتی کافر را به ارث می برد و کافر جایگاه دوزخی مؤمن را. (1)

مفسر تفسیر نور نوشته است:

از این حدیث استفاده می شود که درهای سعادت و شقاوت به روی همه باز است و هیچ کس از ابتدا برای بهشت یا دوزخ خلق نشده است، بلکه انتخاب و عمل او مسیر و سرنوشتش را معین می کند. (2) در حدیثی آمده است که در شب معراج حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بهشت عده ای از ملائکه را دید که گاهی تند تند کار می کردند گاهی بیکار بودند، علت این امر را از آنها پرسید گفتند: خداوند متعال ما

ص: 182

1- نور الثقلین .

2- تفسیر نور، ج 4، ص 69 .

را مأمور ساختن جایگاه فلان مؤمن که در دنیا می باشد کرده است.

هرگاه او اعمال صالح و کارهای خوب انجام دهد، مصالح برای ما می رسد و ما منزل او را می سازیم، هر وقت که او کار خوبی انجام ندهد، ما نیز اینجا بیکار هستیم! (1)

بر همین اساس، می توان معنی حدیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «دنیا مزرعه آخرت است» را درک کرد.

از دنیا باید با نیت ها، تلاش ها، اعمال صالح و خوبی ها برای خانه آخرت توشه فرستاد و آن را کاملاً آماده نمود.

البته خداوند سبحان، فرشتگانی مأمور کرده است که انجام اینکار را برعهده

ص: 183

1- حیات القلوب، ج 2، ص 297.

گرفته و جایگاه پاکان را در بهشت آماده نمایند. از فضل خویش نیز بر آنها اضافه تر از استحقاقشان عطا خواهد کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«در شب معراج به ابراهیم علیه السلام برخورد نمودم و او به من گفت: به امت امر کن که تا می توانند در بهشت درخت بکارند، زیرا زمین بهشت بسیار وسیع و خاکش بسیار پاکیزه است، گفتم: چگونه؟

گفت: باگفتن بسیار «[لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ \(1\)](#)»

ص: 184

1- بحار الانوار، ج 8، ص 124 .

آیا در بهشت شب و روز وجود دارد؟

«وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»

و هر صبح و شام روزی آنها در بهشت مقرر است. (1)

در این آیه اشاره به صبح و شب در بهشت شده است. سؤال این است که: مگر در بهشت صبح و شام وجود دارد؟

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

در روایات اسلامی آمده است که: گرچه در بهشت همواره نور و روشنایی است،

اما بهشتیان از کم و زیاد شدن نور و نوسان آن، شب و روز را تشخیص می دهند. (2)

ص: 185

1- 62 / مریم .

2- تفسیر نمونه، ج 13، ص 107 .

در بهشت یک نظام زندگی کامل و همیشگی برقرار است و به نظر می‌رسد که چنین نظامی، بسیار کامل‌تر و دقیق‌تر از زندگی دنیوی است. از طرفی، شب و روز زیبایی‌های خاص خود را دارند. بنابراین بعید است که مؤمنان بهشتی از مواهب شب در بهشت محروم باشند.

منتها، شب و روز بهشتی با شب و روز دنیوی، تفاوت‌های بسیار دارد واللّٰه اعلم.

بهشتیان با چه زبانی سخن می‌گویند؟

در اینکه بهشتیان در بهشت با هم صحبت می‌کنند شکی نیست. در قرآن کریم آیات متعددی در این خصوص وجود دارد که در مباحث آینده آورده می‌شود.

ص: 186

حتی در قرآن کریم سخن از صحبت بهشتیان و دوزخیان با هم است مانند آیات 40 تا 48 سوره مُدَّثِّر که صریحا به سخن گفتن مؤمنان بهشتی با کفار دوزخیان اشاره فرموده است.

با توجه به این موضوع، این سؤال پیش می آید که هم اکنون بیش از هزار زبان در دنیا وجود دارد. زبان های دیگری هم قبل از ما و بعد از ما بوده و خواهد بود. از طرفی همه انسان ها یا دوزخی هستند یا بهشتی. پس، چگونه می توانند با هم صحبت کنند. برای پاسخ به این سؤال دو جواب موجود است:

1- در جهان آخرت محدودیت های این دنیا وجود ندارد فلذا افراد به راحتی می توانند با هم ارتباط پیدا کنند. تلقین به زبان عربی به همه امواتی که در زندگی زبان های گوناگونی داشته اند و بسیاری از آنها، کوچکترین آشنایی با این زبان

ندارند، گواه این مطلب است.

2- از بعضی روایات استفاده می شود که مردم در جهان آخرت به زبان عربی با هم صحبت می کنند.

(1)

آیا زندگی در بهشت، یکنواخت نیست؟!

برای پاسخ به این سؤال می توان گفت نه، زیرا:

1- بهشت آن قدر بزرگ و وسیع است و مواهب و مناظر فراوان و متنوع دارد که انسان از تماشای آن ها خسته نمی شود و هر روز جایی برای دیدار تازه وجود دارد.

2- پدران و مادران، فرزندان صالح و بهشتی انسان، پیامبران، اولیاء،

ص: 188

1- المیزان، ج 11، صفحات 11 و 12.

شهدا و نیکان اولین و آخرین در بهشت هستند. دیدار آنها نیز وقت بسیار برده و موجب تنوع فراوان در زندگی بهشتیان است.

3- در بهشت نیز تحول و تکامل خاص بهشتی وجود دارد.

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

هیچ مانعی ندارد که تحول و تکامل در همان منطقه تداوم داشته باشد، یعنی اسباب تکامل در آنجا جمع است و انسان ها در پرتو اعمالی که در این جهان

انجام داده اند و مواهبی که خدا در آن جهان به آنها عطا کرده در مسیر تکامل دائما پیش می روند. [\(1\)](#)

ص: 189

1- 108 / کهف .

از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا»⁽¹⁾ سؤال شد فرمودند: «مقصود از "خالدون" این است که آن ها هرگز از بهشت (و عوامل بهشتی) خارج نمی شوند و مقصود از لا- يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا این است که: بهشتیان هرگز طالب دگرگونی و تبدیل وضعیت نیستند...»⁽²⁾.

دلیل آن هم کاملاً واضح و مشخص است: آنها کسر و کمبود و نیاز و حاجتی ندارند که برآورده نشده باشد.

بنابراین طالب وضع دیگر و چیز دیگر نیستند.

ص: 190

1- 108 / كهف .

2- بحار الانوار، ج 8، ص 123 .

حضور بهشتیان در محضر حضرت حق سبحان

از بالاترین و والاترین نعمت دیگری که به بهشتیان داده می شود. حضور در محضر حضرت رب العالمین است. درست است که خداوند متعال به همه نزدیک تر از خودشان است و همه جا نیز تعلق واقعی و حقیقی به آن حضرت دارد اما، اجازه یافتن حضور در محضر خاص او حکایت دیگری است:

زلیخا گفتن و یوسف شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن؟!

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

(پرهیزکاران) در منزلگاه صدق و حقیقت، نزد خداوند صاحب عزت، همیشه

ص: 191

از نعمت های او بهره مند می شوند. (1)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه آورده است:

در این آیه دو ویژگی وجود دارد که تمام امتیازات در آن جمع است:

اول اینکه: آنجا جایگاه صدق است و هیچگونه باطل و بیهودگی در آن راه ندارد. سراسر حق است و همه وعده های خدا درباره بهشت در آنجا عینیت می یابد و صدق آنها آشکار می شود.

دوم اینکه: در جوار قرب خدا است. عند، اشاره به نهایت قرب و نزدیکی معنوی است نه جسمانی، آن هم نسبت به خداوندی که هم مالک است و هم قادر، هرگونه نعمت و موهبتی در قبضه قدرت اوست. و به همین دلیل، او در

ص: 192

پذیرایی از این مهمان گرامی فروگذار نخواهد کرد و فقط خودش می داند که چه موهبتی برای اینها فراهم ساخته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمودند:

علی جان! هرکس شما را دوست بدارد و از ولایت شما پیروی کند با ما در بهشت برین در جایگاه صدق نزد پروردگار است. امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا در پاسخ اظهارات یکی از سپاهیان دشمن فرمود: تا چند لحظه دیگر، یاران من در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جایگاه صدق نزد پادشاه توانا مستقر می شوند. (1)

مفسر تفسیر راهنما در این باره نوشته است:

ص: 193

1- برهان، ج 4، ص 262 .

متمین برخوردار از جایگاهی والا و زوال ناپذیر در پیشگاه خداوند.

پرهیزکاران در بهشت، علاوه بر نعمتهای مادی برخوردار از مقامات معنوی اند. (1)

پیروزی بزرگ بهشتیان

وقتی مؤمنان نیکوکار وارد بهشت می شوند، در حقیقت از آزمایش های الهی

سربلند بیرون آمده و در عرصه حیات، موفق و کامیاب و پیروز شده اند. احساس رضایت از سعی و تلاش و رسیدن به رضایت خداوند سبحان و سعادت ابدی، پیروزی بزرگ مؤمنان است.

... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

ص: 194

1- تفسیر راهنما، ج 18، ص 280.

... و این پیروزی بزرگ است. (1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

این رستگاری (مؤمنان) و پیروزی بزرگ است. (2)

کدام پیروزی بزرگتر از آن که بهشتیان موفق شده اند در سایه ایمان و عمل صالح و توکل به خداوند متعال از گردنه های سخت دنیوی و آزمایش های بزرگ الهی، سربلند و پیروز بیرون آیند؟!!

اکنون، روز سعادت و شادکامی آنها شروع شده است: هیچ مشکل و گرفتاری ندارد و به مقصد و مقصود خود رسیده اند.

ص: 195

1- 13 / نساء .

2- تفسیر نمونه، ج 3، ص 301 .

رسیدن به بهشت، پیروزی بزرگی برای انسان است و بهشتیان به این پیروزی بزرگ نائل شده اند.

عمر جاوید در بهشت

امام باقر علیه السلام فرموده اند: بهشتیان زنده اند و هرگز نمی میرند، همواره بیدارند

و به خواب نمی روند، بی نیازند و هرگز محتاج نمی شوند، همیشه شادند و هیچ گاه غمگین نمی گردند، لبی خندان دارند و هیچ وقت گریه نمی کنند، همواره مورد تکریم و احترامند و هرگز در برابر خواری و تحقیر قرار نمی گیرند. (1)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: موقعی که بهشتیان در بهشت مستقر می شوند منادی ندا می دهد: سرنوشت و مقدر الهی درباره شما این است که همیشه زنده

ص: 196

1- لئالی الاخبار، ص 429.

بمانید و هرگز نمیرید، پیوسته از نعمت سلامت برخوردار باشید و هیچ گاه بیمار نشوید، همیشه جوان بمانید و هیچ گاه پیر و فرسوده نگردید. (1)

بخشش گناهان و آموزش

هر انسانی در عرصه زندگی دنیوی در اثر غفلت، بی توجهی، جهل، شهوت، خشم و... ممکن است که به ترک اولی، گناه و عصیان آلوده شود.

این امر همیشه موجبات نگرانی مؤمنان را فراهم کرده است و آنها ناراحت از چنین گناهانی و نگرانی عواقب سوء آن بوده اند.

بخشش گناهان و دور نگهداشتن پرهیزکاران بهشتی از عواقب سوء و دردناک گناهانشان، یکی دیگر از نعمتهایی است که در بهشت به آنها

ص: 197

1- جامع الاصول، ج 11، ص 154 .

داده می شود:

«...لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» ... گناهانشان را می بخشیم... (1)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته اند:

... نه فقط گناهان آنها را می بخشیم، بلکه آنها را در باغ های بهشتی که کانون انواع نعمت ها است وارد می کنیم. (2)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

برای دریافت الطاف الهی (بهشت و نعمتهایش) ابتدا باید از گناهان پاک شده. (3)

با بخشش گناهان، روح و جسم بهشتیان پاک و پاکیزه شده و همه غم ها و

ص: 198

1- 65 / مانده .

2- تفسیر نمونه، ج 4، ص 454 .

3- تفسیر نور، ج 3، ص 124 .

اضطراب ها و نگرانی ها از وجودشان خارج می شود.

قلوب پاک

تمامی کینه ها، حسدها، بغض ها، دشمنی ها و سایر گناهان مربوطه به دل، از وجود بهشتیان پاک شده و آنها دارای قلوب پاک و پاکیزه می شوند و این موهبت بزرگی از جانب حضرت حق برای مؤمنان بهشتی است:

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ... و آنچه در دل ها از کینه و حسد دارند برمی کنیم... (1)

مفسر تفسیر المنار در این باره نوشته است:

هنگامی که بهشتیان به سوی بهشت روانه شوند بر در بهشت درختی

ص: 199

1- 43 / اعراف .

می بینند که از زیر آن دو چشمه جاری است.

از یکی از چشمه ها می نوشند و تمام کینه ها و حسدها از قلبشان شسته می شود و این همان شراب طهور است. سپس در چشمه دیگر خود را می شویند و طراوت و زیبایی در اندامشان آشکار می شود بطوری که پس از آن هرگز ژولیده و رنگ پریده و دگرگون نخواهند شد. (1)

امام هادی علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

در روز قیامت، حضرت علی علیه السلام و همه ائمه در برابر مردم قرار می گیرند و در این هنگام (ورود به بهشت) شیعیان می گویند:

الحمد لله الذی هدانا لهذا

ص: 200

1- تفسیر المنار، ج 8، ص 421.

خدا را شکر که ما را به این (راه بهشت جاودانی) هدایت فرمود. (1)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

در بهشت صفای ظاهر و باطن یکجا جمع است. زندگی که در آن کینه نباشد، زندگی بهشتی است. بهشت در برابر عمل است نه آرزو.

(2)

بهشتیان چون قلوب پاک دارند نسبت به تفاوت های درجات خود، مسأله ای (با هم) ندارند. (3)

ص: 201

1- تفسیر اثنی عشری؛ کافی، ج 1، ص 418.

2- تفسیر نور، ج 4، ص 70.

3- تفسیر نور، ج 6، ص 296.

یکی دیگر از نعمت‌هایی که خداوند متعال به عده‌ای خاصی از بندگانش عطا می‌فرماید، جنات عدن است:

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا... به باغ‌های دائمی وارد خواهند شد... (1)

هرچند بین مفهوم «عدن» و «خلد» چندان فرقی وجود ندارد و هر دو به معنای

«توقف طولانی و استقرار ثبات و ابدیت» است، ولی از روایات و قرائن چنین استفاده می‌شود که «جنات عدن» محل خاصی از بهشت خداوند متعال است که بر دیگر باغ‌های بهشت امتیاز دارد و (2) فقط سه گروه در آن ساکن می‌شوند:

ص: 202

1- 31 / نحل .

2- بحار الانوار، ج 8، ص 85، باب 23 .

«پیامبران»، «صدیقان» و «شهداء» در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: کسی که دوست دارد حیاتش همچون من و مرگش نیز مانند من باشد و در بهشتی که خداوند به من وعده داده، در «جَنّاتِ عدن» ساکن شود باید علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان بعد از او را دوست بدارد». (1)

در نتیجه، نسبت این دو مفهوم (جَنّاتِ عدن و جنات الخلد)، نسبت عام و خاص مطلق است؛ یعنی همه بهشت ها، جنت الخلد و جاودانی و همیشگی اند و فقط یک بهشت که دارای امتیاز ویژه ای است «جَنّاتِ عدن» است. (2)

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

ص: 203

1- خصال، ص 558، ح 31، ابواب الاربعین .

2- تفسیر نمونه، ج 8، ص 38 .

در بهشت باغ ها و نهرها، تنوع و تعدد دارند. باغ های بهشتی همیشه سبز است و خشکسالی ندارد. (1)

کیفیت میوه های بهشتی

در بهشت، درختان میوه متعددی وجود دارد و بهشتیان هر میوه ای بخواهند، برایشان آماده است:

فیهما فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ: در آنجا میوه های فراوان و درخت نخل و انار است. (2)

همچنین:... «فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ. وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ» (متقیان) در سایه های

ص: 204

1- تفسیر نور، ج 6، ص 342 .

2- 68 / ارحمن .

(درختان میوه دار بهشتی) و در میان چشمه سارها قرار دارند و میوه هایی از هر نوع که بخواهند (برایشان آماده است). (1)

همینطور: حَدَائِقَ وَ اَعْنَابًا. وَ كَوَاعِبَ اُتْرَابًا(2)

و نیز: مُدْهًا مَّتَانٍ . هَرْدُو (بهشت از درختان) کاملاً خرم و سرسبزند. (3)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

به سبز پررنگ این معنی (طلاق می شود و از آنجا که چنین رنگی نشانه نهایت شادابی و طراوت گیاهان و درختان است، این تعبیر (مدها متان) بیانگر

ص: 205

1- 41 و 42 / مرسلات .

2- 32 / نبأ .

3- 64 / رحمن .

نهایت خرمی (درختان) آن دو بهشت است. (1)

همچنین ذکر میوه ها، سایه ها، چشمه ها، (و سایر نعمت ها) اشاره به گوشه ای

از مواهب عظیم الهی بر بهشتیان است، گوشه ای که با زبان اهل دنیا قابل بیان و ترسیم است. اما آنچه در بیان نمی گنجد و به فکر مردم دنیا خطور نمی کند، از آن به مراتب برتر و بالاتر است. (2)

مفسر تفسیر راهنما در این باره نوشته است:

میوه های رسیده بر شاخساران باغ های بهشت، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر متکاها است.

ص: 206

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 176 .

2- تفسیر نمونه، ج 25، ص 426 .

باغ‌های بهشت پر از میوه‌ها و درختان نخل و درخت انگور است.

خرما و انار، دارای ویژگی و امتیاز در میوه‌های بهشت است.

میوه‌های متنوع در بهشت نمود ربوبیت الهی بر جن و انس است. (1)

انواع و اقسام میوه‌های بهشتی در رنگ و طعم و اندازه متعدد، در بهشت آماده است و یکی از خوردنی‌های لذیذ بهشتی، همین میوه‌های خوشگوار است، این میوه‌ها: رسیده، شیرین در دسترس، معطر و... بوده و موجب انبساط خاطر، لذت فراوان و سیری مؤمنان بهشتی می‌شود:

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که شب معراج وارد بهشت

ص: 207

1- تفسیر راهنما، ج 18، ص 357.

شدم. برایم رطبی آوردند از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین تر... (1)

و نیز خاک بهشت از مشک بود. (2)

... مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا... آنجا از میوه های بهشتی می خورند. (3)

مفسر تفسیر راهنما درباره میوه های بهشتی نوشته است:

بهشت دارای انبوه درختان میوه است.

هرگاه میوه ای از درختان بهشتی چیده شود، میوه ای مثل آن بر آن درختان نمایان می شود.

بهشتیان در بهره گیری از میوه ها و روزی های بهشت،

ص: 208

1- حیات القلوب، ج 2، ص 292 .

2- همان، ج 2، ص 275 .

3- 25 / بقره .

هیچ رنج و سختی نخواهند کشید. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«هر یک از میوه های بهشتی یکصد هزار طعم دارند».

و نیز فرمود: در عالم خواب عمویم حمزه را (پس از شهادتش) دیدم در حالی که طبقی از انگور بهشتی نزد او بود. یک مرتبه انگور مبدل به خرما شد. این تغییر نوع میوه بسته به نظر مؤمن است.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«مؤمن بر تخت خود نشسته که ناگاه مرغانی که به قدر شتری هستند

می آیند. مؤمن اراده خوردن گوشت آنها را می کند. مرغان فوراً می نشینند،

ص: 209

1- تفسیر راهنما، ج 1، ص 73.

بال های ریخته و کباب می شود و مؤمن آن را می خورد چون مؤمن سیر شود و الحمدلله گفت، مرغ زنده می شود و می پرد و بین مرغان افتخار می کند».

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: یا ابوالقاسم فکر می کنی که اهل بهشت می خورند و می آشامند؟ فرمود: «آری، قسم به کسی که جان من در ید قدرت اوست هر یک از اهل بهشت نیروی صد مرد را در خوردن و آشامیدن داراست.

اعتدال هوا در بهشت

هوای بهشت، در نهایت اعتدال است، نه سرد سرد و نه گرم گرم. معتدل و مطلوب.

هوا خوش نگار و زمین پرنگار *** نه گرم و نه سرد همیشه بهار!

ص: 210

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا. در آنجا نه خورشید را می بینند و نه سرما را(1) ممکن است منظور به اعتدال هوا باشد زیرا سوزش آفتاب و همینطور سرمای سخت در بهشت نیست، نه اینکه آفتاب اصلاً نمی درخشد.(2)

مفسر تفسیر راهنما ذیل این آیه نوشته است:

ابرار در بهشت، آسوده از گرما و سرمای آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل بهشت هستند.

بهشت دارای هوای لطیف، مطبوع و معتدل است.(3)

ص: 211

1- 13 / دهر .

2- تفسیر نمونه، ج 10، ص 231.

3- تفسیر راهنما، ج 19، ص 604.

هوای لطیف و معتدل نعمت دیگری است که بهشتیان از آن، بهره می برند. به این ترتیب گرفتاری ها و مشکلاتی که در اثر سرما و گرما انسان ها را آزار می دهد، در بهشت وجود ندارد. مؤمنان در هوایی کاملاً سالم، معتدل و لطیف از نعمت های بهشتی برخوردار می شوند.

همسران پاکیزه

از نعمتهای بزرگ بهشتی، همسران شایسته، زیبا، خوش گفتار، دلپسند و... است. ابتدا خداوند متعال در آیه ای به آنها اشاره فرموده، اما در سایر

آیات قرآن عظیم نیز از آنها یاد شده و به شرح ویژگی هایشان اشاره نموده است:

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَّكِئُونَ. بهشتیان با زنان

ص: 212

ان در سایه (درختان بهشتی) بر تخت ها تکیه کرده اند. (1)

و نیز: ... فیها أزواجٌ مطَهَّرَةٌ: ... در آنجا همسرانی پاک و پاکیزه دارند. (2)

همچنین: فیهنَّ قاصِرَاتُ الطُّرْفِ... در بهشت زنان زیبا و باحیایی (برای مؤمنان) است. (3)

مفسر تفسیر راهنما درباره همسران بهشتیان نوشته است:

بهشتیان در بهشت، همسران پاک و مطهر خواهند داشت. (4)

از آیات قرآن استفاده می شود که زنان و مردانی که در این دنیا همسر هم

ص: 213

1- 56 / یس.

2- 25 / بقره.

3- 56 / رحمن، 37 / واقعه.

4- تفسیر راهنما، ج 1، ص 73.

بوده اند هرگاه هر دو باایمان و بهشتی باشند، در آنجا به هم ملحق می شوند و با هم در بهترین شرایط و حالات زندگی می کنند. (1) و از روایت نیز استفاده می شود که مقام این زنان حتی برتر از حوریان بهشت است. (2)

مفسر تفسیر نور ذیل آیه 48 سوره صافات در این باره نوشته است: زنان بهشتی نسبت به دیگران چشم را فرو می نشانند و یا با چشم نیمه باز که جاذبه

خاص دارد نگاه می کنند و آن قدر زیبا هستند که چشم شوهر را در اختیار خود می گیرند و شوهرانشان به آنها چشم دوخته اند. زنان بهشتی هم زیبا و دلربا هستند هم عقیف و پوشیده.

ص: 214

1- 23 / رعد، 8 / مؤمن.

2- درالمنثور، ص 151 .

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرموده اند: یعنی همسران بهشتی، آلوده به حیض و حدث نمی شوند. (1)

همچنین آن حضرت فرموده اند: نزد اهل دنیا و اهل بهشت، لذتی بهتر از لذت زنان نیست. (2)

حور العین

از جمله نعمت های بزرگ الهی در بهشت، حورالعین است.

«حورالعین» به دختران زیبا، طنناز، شوهردوست، باکره، خوش گفتار، مهربان، کاملاً پاک و پاکیزه بهشتی گفته می شود که برای مؤمنان بهشتی آفریده

ص: 215

1- لاهیجی، ج 1، ص 305.

2- من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 50؛ الدارالمنثور، ج 1، ص 97.

شده اند و در کنار آنها، زندگی خواهند کرد: وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُوءٌ. در بزم حضورشان حوریه های زیبا چشمی هستند که جز به شوره، به کسی نمی نگرند. گویی آن حوریه ها در سفیدی (و لطافت) بیضه مکنونند. (1)

وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ وَأَنَّهُمَا رَا «حورالعین» تزویج می کنیم. (2)

و نیز: حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ حوری هایی که در خیمه های خویش مستورند. (3)

همچنین:

ص: 216

1- 48 و 49/ صافات .

2- 54 / دخان .

3- 72 / رحمن .

وَ حُورٌ عِينٌ. كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ وَ زَنَانٍ سِيَهٍ چشَمِ زِيَا كِه دَر بَهَا وَ لَطَافَتِ مَانَنَدِ دَر مَكْنُونِد. (1)

مفسر تفسیر نمونه درباره حورالعین نوشته است:

«حور» به کسی می گویند که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً شفاف (و فوق العاده) زیبا است: (2) و آنها سفید رو بوده و باکره و فقط متعلق به همسرانشان هستند و از چشم دیگران پنهانند. (3)

آنها آن چنان زیبا هستند که چشم از تماشایشان حیران (واله و شیدا)

ص: 217

1- 22 و 23 / واقعه .

2- تفسیر نمونه، ج 21، ص 212 .

3- تفسیر نمونه، ج 23، ص 183 .

می شود. (1)

و نیز: «حور» به زنی گفته می شود که چشم بزرگ مشکی و بدن سفید داشته باشد. (2)

امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرموده اند:

وقتی اهل بهشت وارد شدند، خداوند متعال به خاطر کرامتی که به علی علیه السلام داده است، امام متقین را مأمور ازدواج (نکاح)

حورالعین با بهشتیان می کند. (3)

ص: 218

1- تفسیر نمونه، ج 23، ص 215.

2- تفسیر نور، ج 10، ص 505.

3- فرهنگ اهل بیت از دیدگاه قرآن، ص 448.

تکلیف زنان در بهشت

سؤال این است که تکلیف زنان در بهشت چه می شود: زیرا آنچه که درباره

نعم بهشتی شنیده می شود ازدواج مردان با حورالعین و با باکره های زیبا روست ؛ پاسخ این است که هر زن مؤمنه ای به شوهر خود که در دنیا با او محشور بود محشور می گردد و اگر مقام آن زن در دنیا از لحاظ تقوا و ملکات حسنه پایین تر از شوهرش بوده باشد با شفاعت شوهرش در بهشت به مقام شوهر می رسد و اگر در دنیا شوهری نداشته باشد (شوهر نکرده باشد) در بهشت به ازدواج هرکس که دوست داشته باشد درمی آید و در نکاح او باقی می ماند.

اشکالی که در اینجا مطرح است این است که اگر زنی چند شوهر کرده باشد و یکی پس از دیگری مرده باشد در بهشت به کدام یک از این شوهرها تعلق می یابد؟

پاسخ این اشکال را از زبان حدیث بشنویم:

ص: 219

امّ سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد: پدر و مادرم فدای شما باد زنی دو شوهر

داشته و هر دو مرده و وارد بهشت شده اند این زن به کدامیک از این دو تعلق دارد؟ فرمود: «ای امّ سلمه! هر کدام که بهتر است و حسن خلقش بیشتر است او را انتخاب می کند. ای امّ سلمه بدان که حسن خلق خیر دنیا و آخرت را با خود می آورد». (1)

حذف پیری، سختی و خستگی از بهشتیان

در بهشت، هیچگونه سختی و خستگی و رنج و درد و ناراحتی وجود ندارد:

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ...: در آنجا هیچ رنج و زحمت و سختی به آنها نخواهد رسید... (2)

ص: 220

1- بحار الانوار، ج 8، ص 119 .

2- 48 / حجر .

و نیز: ... لا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ: در اینجا (بهشت) اصلاً ضعیف و خسته نخواهیم شد. (1)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه نوشته است:

در آنجا (بهشت) نه عوامل مشقت بار جسمانی (خستگی بدنی) وجود دارد و نه از اسباب رنج (و خستگی) روحی خبری است.

امام علی علیه السلام درباره دوری بهشتیان از سختی ها فرموده اند:

ساکنان بهشت جاوید، هرگز پیر و فرسوده نشوند و گرفتار شداید و سختی ها نخواهند گردید. (2)

ص: 221

1- 35 / فاطر .

2- نهج البلاغه، خطبه 85 .

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

رنج و غم با بهشتیان (حتی) تماس هم ندارند. طول عمر بیش از حد در دنیا، خستگی آور است (و پیری و مشکلات فراوان دارد) ولی در بهشت نه (پیری و) خستگی وجود دارد و نه غم. (1)

مردان بهشتی در سی سالگی و زنان بهشتی در بیست و سه سالگی بوده و جاودانه در همین سن و با همین طراوت دور از هر رنجی باقی می مانند.

خانه های بهشتی

یکی دیگر از نعمت های بهشت، غرفه ها و بناهای بلند و درجات عالی بهشت است:

أُولَئِكَ يُجْرَوْنَ الْغُرْفَةَ... به اینها، به سبب صبری که دارند، غرفه

ص: 222

1- تفسیر نور، ج 9، ص 504 .

(بهشتی) سزاداده می شود. (1)

مفسر تفسیر راهنما درباره غرفه های بهشتی نوشته است:

صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، انجام تکالیف الهی چون فروتنی، شب زنده داری، حلم و ترس از قیامت، توبه، عفو، پذیرش حق و دعا و نیایش، عامل برخورداری آنها از نعمت ها و درجات عالی (و غرفه های) بهشتی است. (2)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

در اینجا، منظور (از غرفه) کنایه از برترین منزلگاههای بهشت است. (3)

مفسر تفسیر نور در این باره آورده است:

ص: 223

1- 75 / فرقان .

2- تفسیر راهنما، ج 12، ص 495 .

3- تفسیر نمونه، ج 15، ص 170 .

«غرفه» به اتاقی می گویند که از کف زمین بلندتر بوده و چشم انداز داشته باشد. (1)

منازل رفیع بهشت، مشرف به مناظر زیبا و تفرجگاههای بکر و بدیع بهشتی است. مؤمنانی که در این آسمان خراش ها زندگی می کنند، توفیق تماشای مناظر بهشتی را دارند.

این غرفه ها، در حد نهایت زیبایی و استحکام و مهندسی فوق العاده است.

سهل بن سعد از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرموده اند:

اهل جنّت، ساکنین غرفه های بهشت را می بینند، همان طور که

ص: 224

1- تفسیر نور، ج 8، ص 287.

شما در دنیا ستارگان را در آسمان مشاهده می کنید. (1)

علی علیه السلام هم فرموده است: اهل بهشت منزل های شیعیان ما را مشاهده می کنند، همان طور که انسان ها در دنیا ستارگان را می نگرند. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره غرفه های بهشتی فرموده اند:

«همانا در بهشت غرفه هایی وجود دارد که ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش پیداست...». (3)

ص: 225

1- جامع الاصول، ج 11، ص 150 .

2- لئالی الاخبار، ص 415 .

3- بحار الانوار .

هرچه دلشان بخواهد، آماده است!

از نعمت های بزرگ بهشتی دیگر آن است که در بهشت، هرچه دل

بهشتیان بخواهد، برایشان مهیا است.

در دنیا، بسیار شنیده اید و شنیده ایم که گفته اند: دلم می خواهد، دل بخواهی، دلم خواست، دلخواه، دلچسب ای کاش مطابق میلم باشد و... این نکته گواه بر آن است که دل انسان نوعاً و دائماً چیزهایی را طلب می کند و دوست دارد که آن ها را ندارد.

در این دنیا به دلیل محدودیت موجود، امکان برآورده شدن همه خواهش های دل همه انسان ها وجود ندارد؛ اما در بهشت همه بهشتیان به آنچه دلخواهشان است خواهند رسید:

ص: 226

و فيها ما تشتهيهُ الأنفُسُ... و در آنجا (در بهشت) هرچه نفوس را بر آن میل و شهوت است... مهیا است. (1)

مفسر تفسیر نمونه ذیل این آیه نوشته است:

به گفته مرحوم طبرسی در مجمع البیان اگر تمام خلائق جمع شوند تا انواع نعمتهای بهشتی را توصیف کنند، هرگز قادر نیستند چیزی بر آنچه در این جمله آمده، بیفزایند. چه تعبیری از این زیباتر و جامع تر؟ تعبیری به گستردگی عالم هستی به وسعت آنچه امروز در ذهن ما می‌گنجد یا نمی‌گنجد، تعبیری که مافوق آن تعبیری نمی‌توان یافت.

مفسر تفسیر نور در این باره آورده است:

ص: 227

1-71 / زخرف .

نعمت های بهشتی اقسام مزایا را دارا است: همه سلیقه ها و چشمها را اشباع

می کند، تنوع دارند، زیبا هستند، مطابق میل هستند و چشم از دیدن آنها خسته نمی شود. (1)

رهایی از دوزخ

یکی از نعمت های دیگری که شامل حال بهشتیان می شود، درهایی از عذاب دوزخ است. این موضوع وقتی کاملاً مشخص می شود که بدانیم همه انسان ها باید وارد دوزخ شوند و سپس از آن رهایی یابند.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا...

و هیچ کس از شما باقی نمی ماند مگر اینکه باید وارد دوزخ شود و این حکم

ص: 228

1- تفسیر نور، ج 10، ص 473.

حتمی پروردگار توست، پس از ورود همه در دوزخ، ما پرهیزکاران را از جهنم نجات خواهیم داد.... (1)

در آیه 56 سوره دخان خداوند سبحان اشاره به حفظ مؤمنان بهشتی از آتش دوزخ و نجات دادن آنها فرموده است:

وَوَقَّيْهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ. فَضَلَّ لَأَمِّنَ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ خواهد کرد و این فضل پروردگارت به آنهاست که در حقیقت پیروزی بزرگی برایشان است!

مفسر تفسیر نمونه ذیل آیه 56 سوره دخان آورده است:

کمال این نعمتها در این است که احتمال عذاب فکر و مجازات، ذهن بهشتیان را

ص: 229

1- 71 و 72 / مریم .

به خود مشغول نمی کند و آنها را نگران نمی سازد.

مفسر تفسیر نور در این باره نوشته است:

تقوا یگانه راه نجات از دوزخ است. دوزخ گذرگاه تقوایبشگان و اقامتگاه ستمکاران است(1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند: همه مردم وارد آتش می شوند، آنگاه به میزان اعمالشان (تند یا کند) از آن خارج می شوند. گروهی مثل برق جهنده، عده ای مثل باد رونده، جمعی مانند اسب دونده و دسته ای مانند دویدن مرد و عده ای مانند

مانند راه رفتن عادی از دوزخ خارج می شوند. (2)

ص: 230

1- تفسیر نور، ج 7، ص 72.

2- نورالثقلین ذیل آیه مربوطه.

ملاقات و همنشینی با والدین و فرزندان

یکی از نعمت های بزرگ دیگر بهشتیان این است که آنها به دیدار سایر مؤمنان و فرزندان و پدران و مادرانشان نایل می شوند:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

و آنهایی را که ایمان آورده و فرزندانشان به پیروی از آنها ایمان اختیار کرده اند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنها ملحق می کنیم و از عمل آنها (نیز) چیزی نمی کاهیم و هرکس در گرو اعمال خویش است. (1)

در این باره ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

وقتی انسان وارد بهشت می شود سراغ پدر و مادر و همسر و فرزندان را

ص: 231

می گیرد، به او می گویند: آنها به درجه و مقام و عمل تو نرسیده اند. عرض می کند: پروردگارا! من برای خودم و آنها عمل کرده ام! آنگاه دستور داده می شود که: آنها را نیز به او ملحق کنید. (1)

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی اطفال مؤمنان را تحت تکفل ابراهیم علیه السلام و ساره قرار داده که آنان را به وسیله درختی از بهشت غذا می دهند... هرگاه قیامت شود به آنها لباس می پوشانند و آن ها را معطر می کنند و به عنوان هدیه برای پدرانشان می برند. سپس حضرت آیه فوق را تلاوت فرمود. (2)

ص: 232

1- تفسیر مراغی، ج 27، ص 26.

2- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج 3، ص 316.

بهشتیان انسان های شریف و بزرگواری هستند. به همین جهت از بهترین انواع لباس ها از جهت کیفیت و کمیت استفاده می کنند:

و لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ. و لباسشان در آنجا از حریر است. (1)

و نیز: يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وِاسْتَبْرَقٍ... آنها لباس هایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند. (2)

مفسر تفسیر نمونه در این باره نوشته است:

«سندس» به پارچه ای ابریشمی نازک و لطیف می گویند و بعضی، قید زربافت را نیز به آن افزوده اند.

ص: 233

1- 23 / حج .

2- 53 / دخان .

«استبرق» به معنی پارچه های ضخیم ابریشمی است. ... و این ها اشاره به

لباس های متنوع و گوناگون بهشتی است. (1) بدین ترتیب در بهشت، (مؤمنان) زیباترین (و گرانبهاترین و قشنگ ترین) لباس هایی که در دنیا از آن محروم بودند را به تن می کنند... اگر در این دنیا (بخاطر دوری از غرور و غفلت و تضييع حق دیگران) از پوشیدن این گونه لباس ها ممنوع بودند، در آخرت که این مسائل مطرح نیست این ممنوعیت ها برداشته شده و جبران می گردد. (2)

لباس های مؤمنان در بهشت در نهایت تنوع، لطافت، پاکیزگی و زیبایی است. منظره لباس های قشنگ بهشتیان و حظ بصر از چنین مناظری نیز یکی دیگر از زیبایی های بهشت است.

ص: 234

1- تفسیر نمونه، ج 21، ص 211.

2- تفسیر نمونه، ج 14، ص 57.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که در معراج... وقتی وارد بهشت شدم درختی دیدم که به آن درخت حله ها و زیورهای بهشتی بود. در میان شاخه های این درخت حوریه هایی بودند و در زیر آن، اسب های ابلق بهشتی و در بالای این درخت رضا و خشنودی حق تعالی بود.

گفتم: ای جبرئیل! این درخت از آن کیست؟

گفت: برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب.

وقتی حق تعالی امر فرماید که مردم را وارد بهشت نمایند، شیعیان علی علیه السلام را نزد این درخت می آورند و از این حله ها و زیورها به آن می پوشانند و بر اسب های ابلق سوار می شوند... (1)

همچنین از روایت استفاده می شود که رنگ لباس های بهشتی سبز است. (2)

ص: 235

1- حیات القلوب، ج 2، ص 303 .

2- امالی .

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه - امام علی علیه السلام
- 3- تفسیر نمونه - آیه آ... مکارم شیرازی و...
- 4- تفسیر المیزان - علامه طباطبایی
- 5- تفسیر نور - حجة الاسلام محسن قرائتی
- 6- تفسیر راهنما - حجة الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی
- 7- تفسیر نورالثقلین - علامه شیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی
- 8- تفسیر کشف - زمخشری
- 9- تفسیر روح البیان - شیخ اسماعیل حقی

- 10- تفسیر صافی فیض کاشانی
- 11- دانستی های قرآن مصطفی اسرار
- 12- فرشته ها عباسعلی کامرانیان
- 13- تفسیر مجمع البیان طبرسی
- 14- بحار الانوار علامه مجلسی
- 15- قاموس قرآن علی اکبر قریشی
- 16- البرهان فی تفسیر القرآن بحرینی
- 17- وسایل الشیعه حر عاملی
- 18- پیام قرآن مکارم شیرازی
- 19- مثنوی معنوی مولوی
- 20- توحید صدوق

21- خصال صدوق

22- تفسیر برهان سیدهاشم بن سلیمان بحرینی

23- اسرار معراج علی قرنی گلپایگانی

24- تفسیر لاهیجی شریف لاهیجی

25- تفسیر عیاشی محمد بن مسعود سمرقندی تمیمی

26- تأویل الایات الظاهره شرف الدین سیدعلی حسین استرآبادی

27- فرهنگ ائمه از دیدگاه قرآن عبدالصمد ساکی

28- تفسیر قرطبی قرطبی

29- تفسیر درالمنثور سیوطی

30- تفسیر فخر رازی امام فخر رازی

31- مفاتیح الغیب امام فخر رازی

ص: 238

32- ارشاد القلوب حسن بن ابى الحسن الديلمى

33- فروع كافى كلينى

34- صحيفه سجاديه امام سجاد عليه السلام

35- صحيفه نور امام خمينى «ره»

36- چهل حديث امام خمينى «ره»

37- عدل الهى استاد شهيد مرتضى مطهرى

38- شرح گلشن راز شيخ محمود شبستري

39- تفسير القرآن الكريم صدر المتأهلين

40- تفسير موضوعى قرآن آية الله جوادى آملى

41- معارف قرآن محمد قطب

ص: 239

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم... 5

مقدمه... 7

دوزخ آتشگاه عظیم... 11

همه دوزخ را خواهند دید!... 16

همه باید وارد دوزخ شوند... 17

کمینگاه بزرگ... 19

نام های 19 گانه دوزخ و معانی آنها... 21

درهای دوزخ... 24

ص: 240

وسعت دوزخ... 26

«سَجِّين» پایین ترین مکان جهنم... 27

دوزخیان به چه زبانی صحبت می کنند؟... 29

آیا دوزخ جاودان است؟... 31

چرا گناهان موقت، مجازات های ابدی دارند؟... 34

رابطه بین گناه و مجازات... 36

چگونگی آفرینش دوزخ... 43

ص: 241

بدترین جایگاه دوزخ... 46

عذرها پذیرفته نمی شود... 47

مالک دوزخ و فرشتگان عذاب... 48

گفتگوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جبرئیل درباره دوزخ... 53

گفتگوی فرشتگان عذاب با دوزخیان... 65

در کنار دوزخ زانو می زنند... 68

دست ها را به دندان می گزند!... 71

ص: 242

ترسان و لرزان و گریان به آتش نگاه می کنند... 72

از فریاد دوزخ وحشت می کنند... 75

و مرگ نعمت می شود!... 77

امکان خروج از دوزخ وجود ندارد... 79

حسرت های مداوم... 80

تحقیر مکرر... 82

حیرت و ترس و اضطراب شدید... 84

ص: 243

نالہ های طولانی و ترسناک... 85

غل‌ها و زنجیرهای آتشی... 87

آتش از بالا و پایین... 89

درخت نفرت انگیز زقوم... 90

گرفتن از موی سر و پا و انداختن در دوزخ... 94

لباس اهل جهنم... 97

گزرهای گداخته... 100

ص: 244

دودهای فراگیر... 103

بی یار و یاور... 106

بازتاب جهنمی ثروت های حرام... 108

چهره پردازی جهنم!... 110

تکبر در دنیا، تحقیر در آخرت... 113

مشاجره بی پایان اصحاب جهنم... 115

سر به زیری و پشیمانی ابدی... 117

ص: 245

نوشابه های داغ و متعفن جهنم... 118

همنشینی با شیاطین در جهنم... 120

حرکت در مدار بسته ای از آتش... 123

آتشگیره دوزخ... 125

آتشی به بلندای قعر... 127

آتشی که دل ها را می سوزاند!... 129

بهشت در قرآن... 134

ص: 246

سرزمین های آرزوهای اولاد آدم ... 140

اهمیت توجه به بهشت... 147

بهشت هدف نهایی و عالی... 147

نام های بهشت... 150

وسعت بهشت... 153

درجات بهشت... 159

درهای بهشت... 166

ص: 247

چگونگی حضور انسان در بهشت... 167

عمر بهشت و بهشتیان... 169

بهشت برزخی... 172

بهشت ابدی... 172

مکان بهشت... 175

چگونگی ساخته شدن بهشت... 179

آیا در بهشت شب و روز وجود است؟... 185

ص: 248

بهشتیان با چه زبانی سخن می گویند؟ ... 186

آیا زندگی در بهشت، یکنواخت نیست؟! ... 188

حضور بهشتیان در محضر حضرت حق سبحان... 191

پیروزی بزرگ بهشتیان... 194

عمر جاوید در بهشت... 196

بخشش گناهان و آمرزش... 197

قلوب پاک... 199

ص: 249

جنت عدن... 202

کیفیت میوه های بهشتی... 204

اعتدال هوا در بهشت... 210

همسران پاکیزه... 212

حور العین... 215

تکلیف زنان در بهشت... 219

حذف پیری، سختی و خستگی از بهشتیان... 220

ص: 250

خانه های بهشتی... 222

هرچه دلشان بخواهد، آماده است!... 226

رهایی از دوزخ... 228

ملاقات و همنشینی با والدین و فرزندان... 231

لباس های بهشتی... 233

فهرست منابع... 236

ص: 251

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

